

اشمید باوئر هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی آلمان به تهران رفت

بسیاری از ناظران سیاسی این
سفر را در ارتباط با همکاریهای
اطلاعاتی میان تهران وین
می دانند

برنت اشمید باوئر هماهنگ
کننده سازمانهای اطلاعاتی آلمان
در دولت آن کشور روز شنبه گذشته در
را سی یک هیات آلمانی وارد تهران
شد و مورد استقبال علی فلاخیان
وزیر اطلاعات و امنیت رژیم
اسلامی قرار گرفت. اشمید باوئر
همان روز به ملاقات رفسنجانی رفت
و پیام ویژه هلموت کهل صدراعظم
آلمان را تسلیم وی کرد.

ساعاتی پیش از ورود
اشمید باوئر به تهران، هلموت
شیمکوس مهندس آلمانی که ۵ سال
پیش به اتهام جاسوسی به نفع عراق
بازداشت و سال گذشته به اعدام
محکوم شده بود، از زندان آزاد و
روانه کشورش شد.
دولت آلمان علاوه بر داشتن
ادامه در صفحه ۲

رژیم واقعیت فاجعه مشهد را پرده پوشی می کند

● در حالیکه یک "گروه افراطی سنی" مسئولیت انفجار را بعهده گرفته
رژیم آنرا به دیگران نسبت می دهد
● پس از انفجار مشهد در مناطقی از سیستان و بلوچستان بین عشایر
بلوچ و پاسداران رژیم اسلامی زد و خودهای مسلحانه رخ داده
است



با گذشت بیش از دو هفته از
فاجعه انفجار در حرم امام رضا،
هنوز این موضوع مورد بحث مقامات
و روزنامه های وابسته به حکومت
است. گویا حکومت آگاهانه و به
قصد بهره برداری از آن سعی دارد این
حادثه را همچنان داغ نگهدارد.

ساعاتی پس از انفجار که در روز
عاشورا اتفاق افتاد و در آن به گفته
مقامات حکومت ۲۴ تن از ائمه
آرامگاه حضرت امام رضا کشته و
بیش از ۷۰ تن زخمی شدند، سران
حکومت انفجار را به مجاهدین
نسبت دادند و تبلیغات گسترده ای را
در این زمینه سازمان دادند. علی
خامنه ای با انتشار یک پیام
شدید اللحن خواستار پیگرد و
بازداشت و مجازات عاملین انفجار
شد. ولایتی وزیر خارجه، با جمع
کردن سفرای خارجی در وزارت
خارجه و بانسبت دادن این انفجار به
مجاهدین، از آنها خواست تا از

از مردم در مشهد و دیگر شهرهای
کشور، عاملین انفجار را تندیهای
سنی می دانند. در همین حال، دو
روز پس از انفجار، خیرگزاریها
گزارش دادند که یک "گروه افراطی
سنی" که گفته می شود گروه "سپاه
صحابه" نام دارد، مسئولیت انفجار
در مشهد را به عهده گرفته است.
"سپاه صحابه" یک گروه افراطی
وهابی است که با کستان مهمترین
ادامه در صفحه ۲

بمب گذاری در مسجد مکی زاهدان
را داشت، اطلاعاتی را در اختیار
ماورین امنیتی قرار داد. "سخنگوی
وزارت اطلاعات نام فردی که به
ادعای او قصد بمب گذاری در
مسجد مکی زاهدان را داشت،
"بهرام عباس زاده" عضو مجاهدین
معرفی کرد.
برغم پرده پوشی های رژیم در
معرفی عاملان اصلی جنایت مشهد و
نسبت دادن آن به دیگران، بسیاری

شاعر آزاد یخواهی که آماج تیر استبداد شد

بمناسبت هفتادمین سالگرد
شهادت میرزاده عشقی
در صفحه ۶

به نام سعیدی سیرجانی یا زهم نامه منتشر کردند

در صفحه ۴

ضعف دلار و سقوط قیمت سهام و اوراق بهادار در سطح جهان

در صفحه ۵

یک عضو حزب دموکرات کردستان (رهبری انقلابی) در دامنارک ترورشده

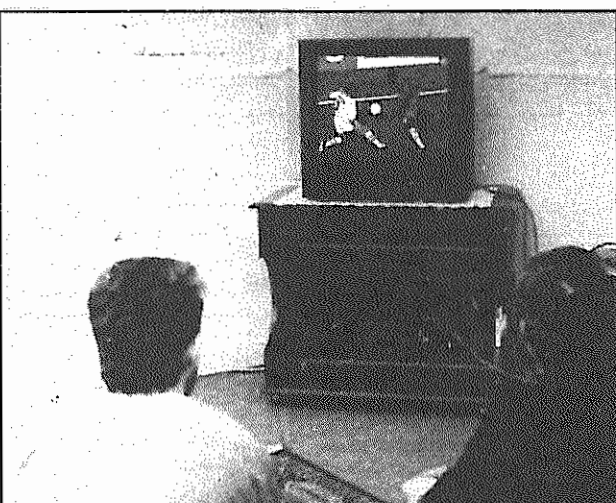
از فعالین راه رهایی خلقمان بود. ما
کوچکترین تردیدی نداریم که ترور
کاک عثمان محمد امینی نیز چون
انقلابی در خانه یکی از دوستانش
در حومه کهنهک پایتخت دامنارک
کشف شد. وی قبل از آنکه به قتل
برسد به شدت شکنجه شده بود. به
گفته نبی قادری سخنگو و عضو کمیته

روز جمعه چهارم تیرماه، جسد
عثمان محمد امینی عضو حزب
دموکرات کردستان ایران (رهبری
انقلابی) در خانه یکی از دوستانش
در حومه کهنهک پایتخت دامنارک
کشف شد. وی قبل از آنکه به قتل
برسد به شدت شکنجه شده بود. به
گفته نبی قادری سخنگو و عضو کمیته
مرکزی این حزب، این جنایت
توسط حکومت اسلامی صورت
گرفته است. کمیته خارج از کشور
این حزب نیز در اطلاعیه ای که
بهمن مناسبت منتشر کرد، ترور را
کار جمهوری اسلامی اعلام کرد.
در این اعلامیه آمده است: "نامبرده
عضو کمیته دامنارک حزب ماویکی

کاک عثمان در سال ۱۳۴۲ در
منطقه اشونیه بدینا آمد و فعالیت
سیاسی خود را با پیوستن به صفوف
حزب دموکرات در سال ۱۳۵۸ آغاز
کرد. وی در تابستان سال ۶۹ به
منظور معالجه و ادامه تحصیل به
خارج آمد و در کشور دامنارک
ادامه در صفحه ۲

سرنوشت دهها هزار اسیر همچنان باز چیه بازیهای سیاسی تهران و بغداد است

بر اساس گزارش مستندی که
جمهوری اسلامی در اختیار کمیته
بین المللی صلیب سرخ قرار داد،
تعداد اسرای جنگی و یا ناپدید
شدگان ایرانی در عراق ۳۲ هزار تن
اعلام شده است. دولت عراق با
انتشار یک بیانیه رسمی در روز ششم
تیرماه، گزارش جمهوری اسلامی را
تکذیب کرد و در مقابل خواستار
آزادی اسرای عراقی از سوی
جمهوری اسلامی شد. دولت عراق
مدعی است که هنوز ۲۰ هزار اسیر
عراقی در ایران وجود دارند که
مطابق قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل
می بایستی آزاد می شدند. عراق
اساساً منکر وجود اسیر ایرانی در این
کشور است. روزنامه "الثوره" ارگان
ادامه در صفحه ۳



تهران - ساعت ۴ صبح. بیدار نشسته اند و مسابقات جهانی
فوتبال را نگاه می کنند. از تلویزیون اسلامی یا ماهواره؟ فرقی
نمی کند. تب فوتبال همه جا را فرا گرفته است.

طی ۵ سال آینده ۶۰ هزار نفر از پرسنل ادارات دولتی کنار گذاشته می شوند

در بخش های خدماتی مشغول کار
خواهند شد و به وزارتخانه های
مربوطه نیز پیشنهاد شده است،
نسبت به دادر نمودن تعاونی های
خدماتی اقدام نمایند.
طرح تعدیل نیروی انسانی پیش
از این در کارخانه ها و واحدهای
تولیدی به اجرا در آمد. آن موقع نیز
و عده به خدمت گرفتن کارگران
اخراجی در بخش های دیگر داده
می شد اما بسیاری از آنها به خیل
بیکاران پیوستند. چنین سرنوشتی در
انتظار اخراجی های ادارات دولتی
نیز هست.

در چهارچوب طرح تعدیل
نیروی انسانی دستگاه های دولتی،
۶۰ هزار نفر طی ۵ سال کنار گذاشته
می شوند. میر محمدی دبیر کل
سازمان امور اداری و استخدامی
کشور در جمع خبرنگاران اعلام
کرد: از میان ۱/۵ میلیون نفر
مستخدمین دولت ۱۱۰ هزار نیروی
قراردادی وجود دارد که از میان آنها
۵۰ هزار نفر جزو ایثارگران انقلاب
اسلامی می باشند و ۶۰ هزار نفر باقی
مانده طی ۵ سال ریزش خواهند
کرد.
میر محمدی گفت: این تعداد

ادامه در صفحه ۲

واکنش ها پیرامون انفجار مشهد

جمهوری اسلامی رسماً و با تاکید اعلام کرده است، انفجار کار
مجاهدین خلق بوده است. سازمان مجاهدین با قطعیت می گوید انفجار
بمب کار خود رژیم است. دو هفته است که در تمام محافل سیاسی در
ایران و در خارج همه جا صحبت از این است که عاملین این جنایت
هولناک چه کسانی هستند. هر کس که خبر وادعای رژیم و یا مجاهدین را
شنیده به این قطعاً فکر کرده است که این ادعاها پر چه میناست؟
شعور و درک سیاسی ایرانیان در این پانزده بیست سال اخیر تا آنجا
رشد کرده است، که امروزه تنها احزاب دموکراتیک و توده روشنفکر،
که اقشار وسیعی از مردم نیز خوب می فهمند ادعای رژیم نه بر پایه ی
شناسائی افراد بمب گذار که بخاطر اهداف سیاسی عنوان شده است.
رژیم علیرغم آنکه می داند جنایت بدست چه کسانی صورت گرفته
است، باز هم در مورد عاملین آن به همه دروغ می گوید.
رفتار مسئولین رژیم نشانه آن است که برای آنها متهم ساختن
مجاهدین به بمب گذاری و جان انداختن آن مهمتر از خود انفجار بمب و
کشته شدن عده ای بیگناه است. این رفتار این فکرها تقویت می کند که
اگر بینندگان ایجاد یک فاجعه دیگر مثل آتش زدن سینما رکن آبادان و
انداختن آن به گردن مجاهدین می تواند به حمایت قرب از مجاهدین
فیصله دهد، اصلاً بعید نیست که ترتیب آن داده شود.
به نظر می رسد تلاش رژیم برای نسبت دادن انفجار به مجاهدین این
فکر را هم در خود داشته است که مبادا تلقی عمومی در ایران و اطراف آن
این گردد که محافل افراطی سنی عامل انفجار بوده اند و انگیزه ی آن نیز
انتقام جوئی از تخریب مسجد سنی های مشهد بوده است.
از سوی دیگر تلاش مجاهدین نیز برای نسبت دادن انفجار به خود
رژیم تلاشی تاسف آور است. تو گویی برای مجاهدین تکرار همان روشی
که رژیم در برخورد با آنها پیشه کرده است اصلاً دردناک نیست. آنها نیز
نشان می دهند که از نسبت دادن عملی که واقعا نمی دانند کار خصم بوده
است به خصم، برای آزایی افکندن او هیچ ابائی ندارند.
واکنش ها پیرامون انفجار بمب در حرم امام رضا افشاگر این حقیقت
تلخ است که علیرغم تقویت قدرت درک و تحلیل سیاسی در میان اقشار
وسعی از مردم، هنوز هم فرصت طلبی و غرض ورزی، بر چسب زنی،
تهمت و افترا و نسبت دادن عمل ناکرده به مخالفان یا هدف کسب و یا
حفظ قدرت سیاسی فضای سیاست در کشور ما را همچنان در سیطره
خود دارد.
واکنش ها پیرامون انفجار بمب نشان می دهد که در ایران ما اصلاً
هدف و معنای سیاست و مبارزه سیاسی به دو گونه فهمیده می شود.
کسانی هستند که هدف و معنای سیاست و فعالیت سیاسی را صرفاً کسب

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

خامنه‌ای در برابر خمینی؟

خزش آرام و مداوم خامنه‌ای برای بدست آوردن مقام مرجعیت و قدرت حاصل از آن در دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی هر روز نمود تازه‌ای از خود نشان می‌دهد.

اکنون بیش از هر زمانی شخص خامنه‌ای و تمام کارگزاران نظام مبتنی بر ولایت فقیه تلاش وافر دارند که انشقاق ولایت فقیه را که بر اثر مرگ خمینی و رهبر شدن خامنه‌ای بجای او و تداوم فقهات گلبا یگانی، قمی و منتظری پدید آمد، بازسازی کنند. قبلاً رهبر ۵۵ ساله جمهوری اسلامی و یادش درد و نوبت یکبار پس از مرگ خمینی و یار دیگر بویژه پس از مرگ گلبا یگانی کوشیدند با طرح روحانی بی‌داعیه و از کار افتاده، اما گوش بفرمانی چون اراکی به عنوان فقیه علم، خلافت ناشی از کم سواد مکتبی خامنه‌ای را که به رغم یک درجه "ارفاق" به مقام آیت‌اللهی، هنوز در سطح فقهات نبود و نیست برکنند.

با این وجود هنوز کفن گلبا یگانی خشک نشده، خامنه‌ای و اطرافیان روحانیش که عمدتاً در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گرد آمده‌اند، هزاران آنکه اراکی به علت کهنوت سن و زوال عقل نتوانند نقش خود را بخوبی ایفا کنند، خواندن نماز میت بر زنده‌ی او را آغاز کردند. خامنه‌ای و یادش تمهیدات لازم را برای فقیه خواندن خامنه‌ای پس از مرگ اراکی تدارک دیده و می‌بینند. در اولین اقدام، محمد یزدی رئیس قوه قضاییه و علی‌اکبر ناطق‌نوری رئیس مجلس شورای اسلامی صلاحیت خامنه‌ای را از هر حیث "برای احراز مقام مرجعیت اعلام کردند. سپس علی مشکینی، یوسف صانعی، محمد فاضل‌لنگرانی، جواد املی و ابراهیمی از حوزه‌ی علمیه‌ی قم او را واجد شرایط لازم برای مرجعیت دانستند. خامنه‌ای شخصاً نیز با دادن فتوای مختلف با امضای آخوندی علی‌بن الجواد الحسینی در پدید آوردن جووانی لازم برای طرح خود به عنوان مرجع کمک کرد.

دستگاه حاکم تا کنون به کمک زور و زور توپر توانسته است منتظری، قمی، روحانی، سیستانی و شهر به بگیران و مقلدان آنها را از مخالفت جدی و مؤثر در مقابل ترفند های خامنه‌ای و همدستانش بازدارد.

خامنه‌ای چندی پیش در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری که عمدتاً عضو جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم نیز هستند با اظهار اینکه "در جامعه‌ی امروز ما تعداد قابل توجهی از شخصیت‌های برجسته وجود دارند که از لحاظ فقهات، تقوا، آگاهی و معرفت، ذکاوت و هوش لایق مرجعیت هستند و آنها باید بر اساس نیاز جامعه‌ی اسلامی و نه بر مبنای میل به مرجعیت شرایط لازم را برای احراز مرجعیت خود فراهم کنند،" بوضوح به آنها نداد که خود را بی‌هراس از حضور مراجع مسلمی چون منتظری و قمی، به عنوان مرجع تقلید مطرح کنند و خود در عمل نشان داد که از چنین مشی پیروی می‌کند. او در این امر در شرایطی که ندای مخالفتش در دستگاه روحانیت نمی‌تواند برآید، تا حد زیادی موفق بوده است.

میزان موفقیت خامنه‌ای در راه رسیدن به این هدف در این مرحله (بویژه با عقب راندن رفسنجانی در عرصه‌ی سیاست) و با پشتیبانی طرفدارانش در دستگاه روحانیت و حاکمیت بحدی است که وی دیگر نیازی نمی‌بیند برای اراکی مقامی بالاتر از خود و یا در سطح برابر قائل باشد. وی فتوای اراکی درباره‌ی ممنوعیت ماهواره‌ها را تواتر کرد، اما در مقابل اراکی و تعدادی از مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم دستورات وی را درباره‌ی ممانعت از قلم زنی و قفل بندی واجب‌الاطاعه خواندند و سرتمکین در مقابل او فرود آوردند.

خامنه‌ای در روزهای محرم امسال قاطعانه با قلم زنی و خود آزاری های دیگر مخالفت کرد و به این ترتیب موضعی متفاوت نسبت به خمینی که در این موارد نظری دوپهلوداشت و در زمان وی اینگونه اعمال رواج دوباره یافت، اتخاذ کرد.

خامنه‌ای در این باره گفت: "آنچه از قول مراجع سلف (به شمول خمینی) رحمت‌الله علیهم قول شده است بیش از این نیست که اگر ابتکار ضرر معنی به ندارد جایز است." سپس وی با اظهار اینکه "آیا سبک کردن شیعه در افکار جهانیان ضرر معنی به نیست؟" و ادامه سخن با این مضمون نشان داد که می‌خواهد "حرفی بیش از" مراجع سلف بزند و خود را جانشین خلف آنها می‌پندارد.

سخنان اخیر علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان، امام جمعه‌ی قم و رئیس جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم درباره‌ی اعتبار فتوای خامنه‌ای با اهمیت می‌باشد. وی اخیراً در مراسم نماز جمعه‌ی قم اعلام کرد که "هر فتوایی که خامنه‌ای در مورد هر موضوعی صادر کند می‌تواند فتوای قبلی در آن زمینه را لغو و بی‌اثر سازد و هیچ مانعی وجود ندارد که فتوایی که یک مجتهد صادر می‌کند از نظر محتوا متناقض با فتوای دیگر در زمینه‌ی مورد نظر باشد."

این سخنان نشان می‌دهد که بالاترین مقامات روحانی دست‌اندر کار حکومت ایران در یک توافق معین یا ضمنی آماده آن می‌شوند که بن بست‌های موجود بر اثر فتوای احمقانه‌ی خمینی را بدست خامنه‌ای مرتفع سازند. خامنه‌ای در زمان حیات خمینی از سوی اوبه شدت تحقیر شد و هنوز نتوانسته است صدمات ناشی از ضربه‌ی خمینی را ترمیم کند. اما با این وجود هیچ استبعاد نمی‌تواند که "نظام" در صدد باشد این باره کمک او اثرات برخی فتوای و نظرات خمینی که جمهوری اسلامی را در منگنه‌ی سختی قرار داده است، بر طرف سازد.

یک عضو حزب دموکرات

ادامه از صفحه ۱

حزب در شهر سلیمانیه عراق توسط اقامت گزید.

دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران در خارج از کشور نیز در اطلاعیه‌ای به تاریخ ۳۰ خرداد خبر داده است که یکی از اعضای این

رژیم واقعیت فاجعه ...

ادامه از صفحه ۱

مرکز فعالیت آن است. این گروه از سری رژیم اسلامی متهم است که سال گذشته صادق گنجی مسئول امور فرهنگی جمهوری اسلامی در پاکستان را به قتل رسانده است. این گروه قبلاً اعلام کرده بود که در مراسم عزاداری عاشورا ساکت نخواهد نشست و انتقام ویران کردن مسجد سنی‌ها در مشهد را خواهد گرفت.

واعظ طبسی (نایب التولیه آستان قدس رضوی) دز مصاحبه با خبرنگاران داخل و خارج دخالت تندروهای سنی را تکذیب کرد و گفت مجاهدین خلق عامل این انفجار بودند.

سازمان مجاهدین در اطلاعیه‌های خود به اتهامات رژیم پاسخ داده و اعلام نمود که هیاهو جنجال تبلیغاتی گسترده رژیم علیه مقاومت و منتسب کردن این جنایت به مجاهدین، آماده باش قبلی اراک‌های سزکوب گروتمای دستگاه‌های تبلیغاتی، آماده باش قبلی تمام سفارتخانه‌های رژیم و واکنش سریع خامنه‌ای تماماً مبین توطئه از پیش طرح ریزی شده است.

بعد از این اطلاعیه‌ها، مجاهدین خواستار اعزام یک هیات بین المللی به ایران شدند که پیرامون این جنایت تحقیق کند و مسبب آن را معلوم سازد.

در عین حال این مسئله مطرح است که انفجار کار خود رژیم اسلامی است. کاتال ۲ تلوزیون فرانسه در این رابطه اعلام کرده که در زمانی که رژیم مذهبی ایران توسط بحران اقتصادی و سیاسی بی سابقه‌ای تضعیف شده نمی‌توان فرضیه یک تحریک که هدفش فشرده کردن صفوف در اطراف قدرت حاکم برای زمینه سازی کنترل پلیسی مجدد کشور می‌باشد، نادیده گرفت.

آخرین اقدام حکومت در این زمینه پخش صدای یک نفر از سیمای جمهوری اسلامی در روز چهارشنبه

اشمید با وئر هماهنگ کننده ...

ادامه از صفحه ۱

روابط گسترده تجاری، دارای همکاری‌های وسیع اطلاعاتی با رژیم جمهوری اسلامی است. کار داد گاه رسیدگی به ترور برلین جلوگیری شود. این سفر فلاحیان محرمانه صورت گرفته بود. اما افساء شدن آن و انتقاد مطبوعات و محافل روشنفکری آلمان مانع از عملی شدن خواسته فلاحیان شد. با این همه در ارتباط با ترور برلین همین آقای اشمید با وئر خدمات ارزنده‌ای از جمله فراری دادن دو دبلمت جمهوری اسلامی که در طراحی ترور برلین دخالت داشتند، به سازمان‌های اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی کرده است. سرپرستی هیات آلمانی در سفر به تهران توسط اشمید با وئر از نظر بسیاری از ناظران سیاسی در درجه نخست معطوف به همکاری‌های اطلاعاتی میان بن و تهران است.

آن است که علیرغم همه اعتراضات علیه سیاستهای تروریستی جمهوری اسلامی توسط نیروهای مخالف رژیم و افکار عمومی بین المللی و علیرغم تکذیب‌های پی در پی مسئولین رژیم در دست داشتن در این ترورها، اعمال ترور علیه مخالفان از سوی حکومت همچنان ادامه دارد. مماشات دولتهای غربی با حکومت تروریستی اسلامی و عدم همکاری

اطلاعیه

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون فاجعه انفجار مشهد

بر اثر انفجار بمب در یکی از مساجد حرم حضرت رضا، امام هشتم شیعیان در شب دوشنبه، ۲۶ تن از هموطنان ما جان خود را از دست داده و بیش از ۷۰ تن دیگر از اثران مجروح شدند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این جنایت هولناک را از جانب هر کس که صورت گرفته باشد، بشدت محکوم می‌کند. این کشتار سیمانه فقط می‌تواند کار جنايتکارانه باشد که فاقد هر گونه عاطفه انسانی و شعور سیاسی هستند.

مسئولان حکومتی، بدون ارائه هر گونه دلیل و مدرکی، این عمل را به سازمان مجاهدین نسبت داده‌اند و علیرغم تکذیب رسمی سازمان مجاهدین همچنان بر ادعای خود مصرند. این اتهام زنی بی‌اساس فقط می‌تواند در خدمت اهداف اعلام‌ان اصلی جنایت قرار گیرد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همدردی عمیق و مراتب تسلیت خود را با بستگان قربانیان و با همه هموطنان عزیز اعلام می‌دارد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۹۹۴ ژوئن ۲۱
۳۱ خرداد ۱۳۷۳

واکنش‌ها پیرامون انفجار مشهد

ادامه از صفحه ۱

قدرت سیاسی و راه‌های حفظ آن می‌فهمند. کسان دیگری هستند که هدف و معنای سیاست و تبلیغ سیاسی را بسیج افکار عامه در راستای حل و فصل مسائل کشور و اداره‌ی مدبرانه‌ی آن می‌فهمند.

درس تاریخ در کشور ما - همچون سایر کشورها - می‌گوید از آنان که سیاست را تنها علم یافتن راه‌های کسب و حفظ قدرت یافته‌اند، جز استقرار استبداد و تحکیم آن به قیمت هیچ انتظاری نباید کشید.

و اما روی دیگر فاجعه انفجار مشهد: این حادثه یکبار دیگر نشان داد که در ایران امنیت عمومی مفهوم خود را از دست داده است. تنها آزاد یخ‌ها و مبارزین سیاسی نیستند که در ایران تحت پیگرد قرار می‌گیرند، به زندان می‌افتند، شکنجه و کشته می‌شوند. مردم عادی نیز در هر روز وساعت می‌توانند قربانی خشونت‌ها باشند. جامعه ما را به کام خود کشیده است. در ایران دیگر هیچ کس امنیت ندارد.

چه کسی باعث این ناامنی عمومی است؟ با قطعیت می‌توان تا کید کرد که با سیاست به غایت تبعیض گرانه رژیم در قبال فرق مذهبی، با سیاست سرکوبگرانه حکومت در برخورد با هر نوع مخالفی، با سیاست خارجی ماجراجویانه و دشمن تراش جمهوری اسلامی و با سیاست اقتصادی بشدت نا عادلانه و فقر آفرین رژیم اصلاً نمی‌توان در این ایران خشم و خشونت کور را بی‌زمین و یا حتی کم زمینه دید. مجموعه‌ی این سیاست‌هاست که دو سال پیش به شورش مشهد و دیگر شهرها دامن زد و اکنون این فاجعه و فجایع دیگر را رقم می‌زند. می‌توان انگشت اتهام را به هر سو نشان رفت اما چون نیک بنگری اصلاً نمی‌توان انکار کرد که مجموعه‌ی سیاست‌ها و سمت گیری‌های این رژیم نه تنها رافع زمینه‌های اعمال خشونت کور نیست، بلکه مشخصاً تشدید کننده و تحریک کننده‌ی این زمینه‌هاست. اگر رشد شعور سیاسی و تجربه گرانقدر مردم در انقلاب بهمین نبود، این سیاست‌ها می‌باید کشور را تا کنون در شعله‌ای سرکش خشم و انتقام می‌سوزاند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز به همین دشمن تراشی‌ها کمک می‌کند. سیاست ضد و انقلاب، دخالت‌های پنهان و آشکار در امور داخلی کشورهای دیگر، فرستادن مزدور به قصد خرابکاری، اکثر کشورهای منطقه را به کانون‌های دشمنی با ایران تبدیل کرده است. از عربستان گرفته تا پاکستان و عراق و حتی افغانستان و ترکیه برای خرابکاری در ایران توطئه می‌شود و قربانیان این توطئه‌ها همواره مردم بیگناهند. یک نمونه از سیاست‌های رژیم که اکنون منجر به وضعیت نگران کننده‌ای بویژه در مرزهای شرقی کشور شده است، شیعه‌گری افراطی مستبدین بی‌حکم و دامن زدن به منازعه مذهبی کور و خوین در این منازعه است. رشد و تقویت دسته‌های متعصب سنی و حمایت بیدریغ عربستان و دیگران از آنها عامل تشدید این خطر است که تا کنون به فجایعی نیز در کشور ما انجام داده است.

اکنون نیز پس از انفجار مشهد دسته‌های پاسداران و مامورین وزارت اطلاعات را بسیج کرده‌اند، و به دستگیری و بازداشت عده‌ای دست زده‌اند تا "امنیت عمومی" خدشه دار شده را جبران کنند. بسیج مامورین رژیم قبل از آنکه به هدف دستگیری عاملین این جنایت باشد، به منظور تشدید سرکوب، ایجاد جو رعب و وحشت و فشار بیشتر به سازمان‌های سیاسی است و ابلهان است اگر کسی فکر کند با سیاست سرکوب - آنهم در کشوری که بر دریای آزادی رضایتی نشده است - می‌توان امنیت را به کشور بازگرداند. سرکوب خود عامل ناامنی و ایجاد خشونت‌های بیشتر است.

ما خواهان آنیم که مسببین این جنایت - هر که هستند - مجازات شوند. اما این انتظار از حکومت اسلامی بیهوده است که اجرای عدالت را حتی در یک چنین فاجعه بزرگی را هنمای خود قرار دهد. آنها در همین دو هفته گذشته نشان دادند که تنها به منافع نامشروع و مبارزه سیاسی غیر شرافتمندانه با مخالفین خود وفادارند. آنچه که بعنوان وظیفه ما باقی می‌ماند تلاش بیشتر برای بسیج عامه مردم به منظور مقابله با و پایدان دادن به سیاست‌هایی است که زمینه این جنایات تا ساف انگیز می‌شوند و امنیت را از کشور ما سلب کرده‌اند.

راه آزادی دنبال چیست؟

قریب یکسال و نیم پیش هفته نامه "مسکونیوز" چاپ مسکو، با درج مقاله ای اتهاماتی را در مورد رابطه فدائیان خلق با حزب کمونیست اتحاد شوروی، به سازمان ما وارد کرد. این مقاله در همان زمان در روزنامه های وابسته به رژیم نیز ترجمه و چاپ شد. نشریه "کار به موقع خود در مقاله "آری، همبستگی" (کار - دوره سوم - شماره ۴۹) به اتهامات دروغین و عوامفریبانه مسکونیوز و مرتجعین تهران پاسخ داد. مقاله مسکونیوز دستاویزی نبود که تبلیغات تاجیکان رژیم اسلامی بتوانند با استفاده از آن علیه سازمان ما هیاهو به راه بیندازند. لذا به درج همان مقاله اکتفا کرده و موضوع را رها کردند.

چاپ مقاله مسکو نیز در روزنامه های وابسته به رژیم، ماهنامه "راه آزادی"، نشریه حزب دموکراتیک مردم ایران، اقدام به چاپ مجدد آن اتهامات کرده است، بدون آنکه پاسخ ما را نیز در کنار آنها درج نماید. این نشریه مدعی شده است پاسخ کار توضیح چندانی درباره چند و چون این روابط نداداده است. در مورد چگونگی توضیح کار می توان هر نظری داشت، اما وقتی روزنامه ای می خواهد به خوانندگان خود وانمود کند از موضع بیطرفانه ای به موضوع می نگرد، چرا همانگونه که در مورد "مسکونیوز" عمل کرده و مقاله آنرا به "چاپ کامل و بدون تفسیر سپرده، به همان صورت در مورد "کار" عمل نکرده و پاسخ آنرا به "چاپ کامل و بدون تفسیر سپرده است؟

ما همانطور که در مقاله "آری، همبستگی" نیز توضیح دادیم، در مبارزه به خاطر آماج های انسان دوستانه خود، همواره بر فعالیت اعضا و هواداران و دوستان سازمان و کمک های آنها تکیه کرده ایم و در عین حال معتقد به همبستگی بین المللی با نیروهای مستقیم که با ما دارای اهداف و ارزش های مشترکی هستند. برای ما در این مناسبات، حفظ استقلال کامل سازمان و رعایت منافع ملی کشورمان - بر هر اصل دیگری مقدم است. اتهامات گوناگون ما را از این سیاست باز نداشته و نخواهد داشت.

مذاکرات صلح تاجیکستان در تهران

دومین دور مذاکرات صلح تاجیکستان بمدت ده روز از تاریخ ۲۸ خردادماه تا ۶ تیرماه با حضور رامبروز یالون فرستاده ی ویژه ی دبیرکل سازمان ملل متحد، شکورجان ظهرواوف وزیر کار و مشاغل تاجیکستان به نمایندگی دولت آن کشور، نمایندگان گروه های مخالف دولت تاجیکستان و نظارت کشورهای ایران، پاکستان، روسیه، افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان و نمایندگان از کنفرانس همکاری و امنیت اروپا و کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در تهران برگزار شد.

این دور رادامه ی نخستین دور مذاکرات که با ترکیب تقریباً مشابهی در مسکو از تاریخ ۱۶ تا ۳۰ فروردین ماه انجام شد، پیشرفت های معینی را به همراه آورد.

انجام اولین دور گفتگوها حاصل خستگی و دوطرف درگیر از جنگ و برادر کشی خانمانسوزی که فقر و فلاکت عظیمی را نصیب همه مردم تاجیکستان کرده است، بود. جنگی که از سال ۱۹۹۲ بدنبال شکست دولت ائتلافی متشکل از گروه های اسلامی و ملی گرا آغاز شد و به کشته شدن هزاران نفر و آواره شدن ده ها هزار نفر از مردم تاجیکستان انجامیده است.

علاوه بر خستگی از جنگ و اوضاع بد اقتصادی در تاجیکستان و وضعیت نابسامان پناهندگان در کشورهای مختلف، فشار کشورهای همسایه که دارای بیوندهای دیرینه و نزدیک با تاجیکستان می باشند و خواهان بازگشت امنیت و نظم به این کشور و آرامی منطقه هستند در تصمیم نیروهای درگیر به مصالحه بی تاثیر مهم ترین هدف دور اول گفتگوها

در مسکو راضی کردن طرف های درگیر به نشستن پشت میز مذاکره بود. در دور مسکو آنها به این نتیجه رسیدند که "جنگ راه حل مشکلات نیست" و باید در راه صلحی پایدار و شرافتمندانه تلاش کرد. تشکیل یک کمیسیون مشترک آوارگان و تهیه ی یک برنامه ی کاری برای اجلاس تهران از نمرات مهم آن دور مذاکرات بود.

در دور دوم مذاکرات در تهران موضوعاتی چون آتش بس و نحوه ی برقراری آن، عفو عمومی فراگیر، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و فعالیت های سیاسی و مسئله ی بازگشت آوارگان و ساختار سیاسی آینده ی تاجیکستان در دستور بود.

در بیانیه ی مشترکی که در پایان گفتگوها صادر شد و دوطرف درباره ی آتش بس و توقف عملیات نظامی و تهاجمی در داخل تاجیکستان از جمله عبور از مرزها و جابجایی نیروها به توافق رسیدند. در اعلامیه ی مشترک بر عدم ربودن غیر نظامیان و عدم استفاده از وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی برای تحت الشعاع قرار دادن روند آشتی ملی تأکید شده است. طرفین همچنین بر عدم استفاده از مذهب و احساسات مذهبی و هر ایدئولوژی دیگر برای مقاصد مخاصمه آمیز توافق کردند.

رسیدن به یک تعریف مشترک از صلح و شرایط آن و تأکید طرفین رابر لزوم ادامه ی مذاکرات سیاسی می توان بزرگترین دستاورد مذاکرات تهران دانست. با این وجود دوطرف نتوانستند نسبت به زمان آتش بس به توافق برسند. در حالیکه نماینده ی دولت تاجیکستان بر ضرورت پایان اعمال مخاصمه آمیز و آتش بس به محض

در حاشیه رویدادها

پخش اسلامی مسابقات جام جهانی فوتبال!

داستان چگونگی پخش مسابقات جام جهانی فوتبال از سوی سیمای جمهوری اسلامی در خارج از ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله از جمله موضوعات هفته پیش یکی از کانال های تلویزیونی آلمان فدرال بود که به عنوان زنگ تفریح و برای انبساط خاطر بینندگان خود به آنها توضیح می داد که به هنگام پخش مسابقات از تلویزیون جمهوری اسلامی آنجا که دوربین متوجه جایگاه تماشاچیان است، در آن هوای دم کرده تابستان آمریکا، انسان تماشاگرانی را می بیند که لباس های ضخیم زمستانی به تن کرده اند. کلی هنر در کار پخش مسابقات از سیمای اسلامی به کار رفته تا چشمان نامحرم بدن های نیمه عریان را نبینند. البته آنها یی که در ایران از آن تماهاواره استفاده می کنند، مسابقات را همانطور که پخش می شود تماشا می کنند.

احتمالاً این روش اسلامی کردن پخش مسابقات جام جهانی فوتبال از سوی سیمای جمهوری اسلامی در دیگر نقاط دنیا نیز مورد توجه قرار گرفته است. در شرایطی که نمی توان در میدانهای ورزشی حضور و درخششی داشت، این چنین مورد توجه قرار گرفتن راهم بهر حال باید قدر دانست!

سند همان اوراق جعلی مالکین بود

خمینی در همان سالهای نخست که قیام خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد، مقاصد خود را همواره صریح و بی پرده می گفت. مثلاً بنیان نمی کرد مخالف همه آن تحولاتی است که به هر نحو ساخت سنتی جامعه را بهم ریخته و موقعیت روحانیت را تضعیف نماید. عمده تبلیغات آخوند ها در سالهای اصلاحات شاه به طرفداری از مالکان و اربابان و غیر شرعی دانستن گرفتن زمین از مالکان بود.

اما خمینی خیلی زود متوجه شد که با بیان آشکار مقاصد خود قادر به زور آزمایی در مقابل رژیم شاه نخواهد بود. لذا بسیاری از حرف ها و شعارهایش را کنار گذاشت و برخی را نیز عوض کرد. از همین جا بود که تبلیغات طرفداری از اربابان و مالکان ناگهان تغییر کرد و جای آنرا سند دستان پینه بسته دهقانان است گرفت. اشاره هایی که در این زمینه حاجیه خانم (بتول) ثقفی همسر خمینی در مصاحبه اش با فصلنامه ندادا دارد شاهد مثال خوبی است. بویژه برای آن دسته از طرفداران خمینی که ما بلند همواره سنگ عدالت خواهی امام را به سینه بزنند.

حاجیه خانم ثقفی درباره شروع مبارزات خمینی در سال ۴۲ می گوید: "چون زمینها را به زور از مالکها می گرفتند و می دادند به رعایا، همیشه این سؤال مطرح بود که زراعتی که کشاورزان میکردند خلل است یا نه و نانی که نانواها می پختند اشکال شرعی دارد یا خیر؟ امام عصر عاشورای آن سال سخنرانی کردند، ما موران ریختند خانه و ایشان را بردند."

"حماسه شورانگیزی" که آقای ولایتی آفرید!

چندی پیش ولایتی در سفری که بطور غیر رسمی به آلمان داشت، میهمانی شام طرفهای آلمانی خود را در اعتراض به صرف مشروبات الکلی از سوی میزبانان ترک کرد. این واقعه پس از آن فیصله یافت که به دستور رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس آلمان مشروبات از روی میزها برچیده شد و آقای ولایتی و همراهان فاتحانه سمر شام بازگشتند. تا اینجای کار ظاهراً اتفاق چندانی مهم رخ نداده و این قبیل رفتارها از سوی دیپلماتهای جمهوری اسلامی بکرات سر می زند. مهم بازتاب این عمل آقای ولایتی در روزنامه های جمهوری اسلامی و از میان همه آنها در نزد گردانندگان روزنامه کیهان است.

حسین شریعتمداری سرپرست موسسه کیهان در مقاله ای به قلم خود اقدام ولایتی را "حماسه شورانگیز" نامیده و ولایتی را "امانت دار امین" لقب داده است. معنای روشن آنچه که کیهان به ستایش از آن برخاسته این است که مهم نیست یک مقام یا یک نماینده رژیم اسلامی در خارج از کشور چگونه با مصالح و منافع ملت و کشورش برخورد می کند و چه می دهد و چه می ستاند، "امانت دار امین" آنکسی است که با خانم های خارجی دست ندهد، مؤمنانه چشم از خانم های بی حجاب بدزد و جایی که محل شرب و شراب است، حضور نیابد. باقی قضا یا درخور آن نیست که نحوه برخورد فرد با آن ملاک ارزیابی کارشخص باشد!

امور عمومی و خدماتی دولتی به بخش خصوصی واگذار می شود

شورای عالی اداری جمهوری اسلامی در اجلاس اخیر خود بر مبنای پیشنهاد سازمان امور اداری و استخدامی کشور واگذاری بخشی از فعالیت های اجرایی دستگاه های دولتی را به بخش خصوصی تصویب کرد. به این ترتیب وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات و شرکت های دولتی موظف شدند حداکثر در مدت ۵ سال امور عمومی و خدماتی خود را واگذار کنند.

وعده داده شده است که این مؤسسات در درجه ی اول به تعاونی هایی که با سهم کارکنان باز خریدی تشکیل خواهد شد و گذار شود، اما شواهد نشان

سفر رئیس جمهور آذربایجان به تهران

مقامات ایرانی گفتگو کردند. قبل از دیدار علی اف از تهران، در ملاقاتی که میان علی اصغر نهندیان سفیر جمهوری اسلامی در باکو و نریمان امراتوف وزیر امنیت جمهوری آذربایجان صورت گرفته بود، دوطرف مشکلات ایجاد شده برای تعدادی از کارکنان سفارت و تجار ایرانی در باکو را مورد بررسی قرار داده بودند و وزیر امنیت آذربایجان اعلام کرده بود وزارتخانه وی افراد و عناصری را که

حیدر علی اف رئیس جمهور آذربایجان در رأس یک هیات بلند پایه از مقامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور برای یک دیدار چهار روزه وارد تهران شد و از طرف رئیس جمهور رهنمایی مورد استقبال قرار گرفت. در این دیدار رئیس جمهور آذربایجان و هیات همراه در زمینه های تجاری، فنی، حمل و نقل، ارتباطات، فرهنگی علمی و آموزشی و امور مرزی و نفت و گاز با

"اسلام سیاسی" از دیدگاه حسین هیکل

گروه های اسلامی فرصتی داشته اند که بتوانند برنامه و نظریات خود را ارائه دهند؟

آقای حسین هیکل می گوید: بله مثلاً اخوان المسلمین در مجلس گذشته کاملاً حضور داشته اند. ۳۶ نماینده در مجلس داشتند اما آنان هیچ زمینه ای یک طرح قانونی مشخص ندادند. صرفاً می گفتند باید شریعت اجرا شود. در میان ۳۶ نماینده تعداد قابل توجهی از هیران اخوان بودند اما آنان نتوانستند هیچگونه اثر فعالی داشته باشند، یا اتحادیه های کارگری، کارمندی و مهندسی... در این اتحادیه ها، اخوان المسلمین حضور و نفوذ جدی دارند. اما تا به امروز نتوانسته اند یک برنامه مشخص عملی برای کار و سازماندهی اتحادیه ها تنظیم کنند. در مورد اجازه داشتن امکان طرح نظراً اگر اخوان را به عنوان یک جریان فکری در نظر بگیریم، آنها علاوه بر مصدرا در ادن هم حضور دارند و تعداد قابل ملاحظه ای از آنان در مجلس اردن هستند.

حسین هیکل در مصاحبه اختصاصی با روزنامه ی اطلاعات در مورد اسلام سیاسی گفت: اسلام سیاسی در مصر تا به امروز نتوانسته است یک برنامه ی جامع جایگزین ارائه دهد. برنامه ای که انسان قانع شود که می توان کشور را بر اساس آن اداره کرد و به آرمان ها و اهداف مطلوب و مصالح برتر رسانید به عنوان نمونه "اخوان المسلمین" یک جریان نیرومند اسلام سیاسی در مصر است. اما به اعتقاد من "اخوان" نتوانسته است خودش را آماده ی شرایط و مقتضیات قرن ۲۱ نماید. مثلاً ما از اقتصاد اسلامی صحبت می کنیم. اما همه خودمان را ملزم و مقید به تصمیم ها و توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول می دانیم. در این میان جای اقتصاد اسلامی یا اسلام اقتصادی کجاست؟ اسلام سیاسی در مصر یک سیاست مشخص و روشن و مدون ندارد که مواضع آن را تعریف کند و نقش و موقعیت مردم را تعیین نماید. خبرنگار می پرسد که آیا

سر نوشت دهها هزار اسیر... ادامه از صفحه ۱

منظور مقابله با تخلفات عراق تدابیر محدودی را در ارادند کناره اجرا گذاشته است. در نامه به جزئیات این تدابیر اشاره نشده، اما رژیم عراق مسئول عواقب این اقدامات که نقض صریح قوانین بین المللی و اصول حسن همجواری و همسایگی می باشد، معرفی شده است.

وخامت رابطه با عراق و از جمله تعلیق مذاکرات بنفع کشور ما نیست. دشمنی ها که جنگ ۸ ساله نقطه اوج آن بود، تاکنون لطامت بسیاری بر هر دو کشور وارد آورده است. به ویژه اکنون که سر نوشت قریب به ۵۰ هزار انسانی که در اسارتگاههای ایران و عراق چشم به راه آزادی خود هستند، به چگونگی این مناسبات بستگی یافته است. در حالیکه ۶ سال از پایان جنگ می گذرد، وجود این تعداد انبوه اسرا، نقض آشکار حقوق بشر و پیروی از سیاست گروگانگیری است. از وجود اسرا نباید به عنوان کارتی در بازیهای سیاسی دو جانبه استفاده شود.

دولت عراق در حادثه اخیر مشهد اعلام شد. ولایتی روز سه شنبه ۷ تیرماه اظهارات سخنگوی وزارت امور خارجه را در گفتگوی مطبوعاتی تأکید کرد و تصریح نمود عراق بایستی حتی از حالت غیر مستقیم در امور داخلی ایران خودداری کند. وی تأکید کرد که "برخی کشورهای منطقه به دنبال ایجاد تنش میان روابط ایران و عراق هستند و رابطه این دو کشور خوشایند برخی از این حکومتها نیست.

همزمان با تشدید اتهامات طرفین به یکدیگر، کمال خرازی نماینده ایران در سازمان ملل در نامه ای به پطروس غالی اعلام کرد که عراق برای شکستن محاصره اقتصادی و حمل کالا به این کشور، بطور غیر قانونی پرچم ایران را بر شناورهای خود نصب می کند و بنادر ایرانی را بعنوان مقصد شناورهای خود اعلام می کند. در نامه جمهوری اسلامی به شورای امنیت خاطر نشان شده است که ایران تاکنون چند شناور را توقیف کرده و به

آمریکا: ایران دارایی پلو که شده ندارد

رابرت پلیرتو معاون وزارت امور خارجه ی آمریکا اخیراً در جلسه کمیته ی روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، ادعا کرد که ایران در آمریکا دارایی قابل آزاد شدن ندارد.

دفتر خدمات حقوقی بین المللی اعلام کرد که این ادعا نادرست است و ایران دارایی اموال نظامی، غیر نظامی و دیپلماتیک در خاک آمریکا است. وی در مورد اموال نظامی گفت: دولت ایران دارایی اموال نظامی متعدد در آمریکا است که بخشی از آن ها در اختیار مستقیم دولت و بخشی نیز نزد شرکت های دیگر آمریکایی است. این اموال به بهانه های مختلف از جمله به بهانه ی بیطرفی در جنگ ایران و عراق به ایران مسترد نشده است. آقای مشکان مشکور اضافه کرد آمریکا از تحویل اموال غیر نظامی هم به ایران خودداری کرده است. اموال دیپلماتیک ایران شامل ساختمان های سفارت و کنسولگری های ایران و اموال منقول مربوط به آنها می باشد که برای تحویل آنها هیچگونه مانع قانونی موجهی وجود ندارد.

بخش های دیگری از دعاوی ایران شامل وجوه نقدی مربوط به ضمانت های ایران، وجوه نقدی در حساب های دستگاه های دولتی ایران و باقی مانده ی حساب مربوط به خرید نظامی هستند که بالغ بر چند میلیارد دلار می شود.

به نام سعیدی سیرجانی باز هم نامه منتشر کردند

در حالیکه اعتراض به بازداشت و اعتراف گیری از سعیدی سیرجانی از سوی روشنفکران، آزاد یخواهان و مخالفین رژیم در کشور و همچنین از سوی محافل بین المللی ادامه دارد به نام او که اکنون پنجمین ماه اسارتش را در زندان جمهوری اسلامی می گذراند، نامه های تازه ای را در روزنامه های تهران چاپ کرده اند.

انتشار نامه سیرجانی تعجب کسی را بر نمی انگیزد. مسلک رژیم همین است. رفتار حکومت اسلامی با معترضین و مخالفین تا بوده شکنجه بوده و سرکوب. در تمام این سالها هر کسی لب به اعتراض گشوده، در داخل و خارج کشور در لیست سیاه سرکوب و ترور رژیم جای گرفته است.

طی ۱۵ سال گزرمه های حکومت اسلامی شبانه روز در پی شکار مخالفان بوده اند. هر کسی به دام افتاد پس از مدت های خیری و شکنجه قرون وسطایی یا بیکر متلاشی اش را به خانواده اش دادند و یا مجبورش کردند در مطبوعات و تلویزیون جمهوری اسلامی به تعریف و تمجید از رژیم بپردازد. بعید نیست همین امروز فردا

وزیر صنایع سنگین: قیمت ارز واقعی نیست

نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین ریشه ی اصلی مشکلات موجود در سیاست ارزی دولت را عدم اجرای سیاست تک نرخ ارز در سال های ۶۸ و ۶۹ دانست و گفت با گذشت زمان پیامدهای ناگوار مسأله ی یاد شده آشکارتر خواهد شد. وی گفت قیمت ارز در حال حاضر واقعی نیست و تمامی ضوابط و محدودیت ها و دستورالعمل های موجود سعی در عدم افزایش نرخ ارز بیش از میزان فعلی آن در بازار دارد. لیکن سیاست های انتخاب شده و روش های اعمال آن همانند گذشته باز هم باعث بالا رفتن قیمت ارز خواهد شد. وزیر صنایع سنگین اضافه کرد: ضعف کارشناسی، نبود اطلاعات و آمار دقیق، قدرت ارزیابی ضعیف و در نتیجه عدم امکان سیاست گذاری دراز مدت منجر به اتخاذ تصمیمات کوتاه مدت ارزی و اقتصادی می شود که خود باعث بروز مشکلات فراوان است. در حالیکه وی عدم حضور وزارتخانه های صنعتی را در تصمیم گیری های ارزی مورد انتقاد قرارداد کانالیزه کردن درآمدهای ارزی کشور به بانک مرکزی و پرداخت های ارزی به تولید کنندگان از طریق سیستم بانکی را به عنوان یک سیستم منطقی مورد تأکید قرار داد. به عقیده وی بزرگترین مشکل فعلی بی اعتمادی به سیستم بانکی است که باید امین ترین و صدیق ترین دستگاه اجرایی باشد.

زمین لرزه در فیروزآباد میمند

زلزله ای به قدرت ۴/۶۱ ریشتر روز دوشنبه ۳۰ خرداد شهرستان های فیروزآباد و میمند را در استان فارس لرزاند و به تعدادی از روستا های این دو شهرستان آسیب وارد کرد. بنا به آمار رسمی رژیم جمهوری اسلامی این زمین لرزه ۳ کشته و بیش از صد زخمی بر جای گذاشته و امواج آن شهر شیراز را نیز به شدت تکان داده است. بعضی منابع خبری با توجه به میزان زیاد خرابی ها میزان کشته ها را بسیار بیشتر از رقم اعلام شده تخمین می زنند.

روسهائیر و گاه اتمی بوشهر را تکمیل می کنند

بگفته ی معاون نیروگاه اتمی بوشهر قرار است کارهای ساختمانی این نیروگاه توسط متخصصین روسی به پایان برسد. ۸۰ درصد کارهای ساختمانی این نیروگاه قبل از انقلاب توسط شرکت های آلمانی انجام گرفت و در زمان جنگ در نتیجه ی بمباران های هواپیما های عراقی آسیب هایی به آن وارد آمد. بعد از جنگ شرکت های آلمانی از ادامه ی ساختمان آن خودداری کردند. کارشناسان روسی مطالعات مقدماتی خود را جهت ادامه ی عملیات ساختمانی نیروگاه اتمی بوشهر از فروردین ماه سال جاری آغاز کرده اند.

"مالا ریا" ۱۲ میلیون نفر را تهدید می کند

به نوشته ی روزنامه ی سلام در حال حاضر ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور را بیماری مالا ریا تهدید می کند. به نوشته ی این روزنامه خطر مالا ریا بیش از همه مردم مناطق جنوبی رشته کوه های زاگرس و دشت های ساحلی خلیج فارس و دریای عمان را تهدید می کند. این روزنامه که این خبر را از قول یک کارشناس بیماری های ویروسی نقل کرده است از قول همان کارشناس آورده است که هم اکنون ۱/۸ میلیون نفر به مالا ریا مبتلا هستند. بگفته ی این کارشناس اگر چه بیشترین خطر در مناطق جنوبی کشور است ولی استان های گیلان و مازندران نیز به هیچوجه از این خطر مصون نیستند.

تمدید مجدد مهلت تعویض شناسنامه ها

سازمان ثبت احوال با صدور اطلاعیه ای، باردیگر مهلت تعویض شناسنامه ی متولدین ذکور سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۵ را که در داخل و خارج از کشور بر سر می برند به ترتیب تا شهریورماه و پایان آذرماه تمدید کرد. در این اطلاعیه آمده است که این تاریخ غیر قابل تجدید می باشد و کسانی که تا پایان این مهلت شناسنامه های خود را تعویض نکنند علاوه بر الزام به تعویض، به پرداخت جریمه از ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان محکوم خواهند شد.

جوانان ایرانی روزی ۲۱ دقیقه مطالعه می کنند

طبق آمار ی که اخیراً از طرف مهندس ضرعغامی معاون مجلس اعلام شده است، جوانان ایرانی که در شهر زندگی می کنند روزانه ۳ ساعت ۷ دقیقه وقت فراغت خود را به مطالعه می گذرانند، در حالیکه تنها ۲۱ دقیقه به مطالعه می پردازند.

بسیجیان برای آزار مردم "آموزش" می بینند

فرمانده ی نیروی مقاومت بسیج در گردهمائی "آمران به معروف و ناهیان از منکر" اعلام کرد که بزودی طرح ضابطان امر به معروف و نهی از منکر در سراسر کشور به اجرا در می آید. وی درباره ی تعداد این ضابطان گفت: در این طرح ۳ هزار نفر ضابط درجه ی یک که دارای اختیارات ویژه ای در انجام فریضه "امر به معروف و نهی از منکر هستند، آموزش خواهند دید. وی افزود در این طرح ۳۰ هزار نفر نیز به عنوان ضابط درجه ی دو و ۳۰۰ هزار نفر به عنوان "ناصح" از میان بسیجیان گزینش شده اند که بیش از نیمی از این عده مراحل "آموزشی" را سپری کرده اند.

تهرانی های توانمند از تلفن سیار استفاده کنند

وزارت پست تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد که مقدمات لازم برای راه اندازی سیستم تلفن سیار در تهران بزودی به پایان می رسد و متقاضیان می توانند از مرداد ماه برای دریافت تلفن سیار ثبت نام کنند. هزینه ی هر خط تلفن سیار ۵۰ هزار تومان است که ۲۹ هزار تومان آن به عنوان ودیعه و بقیه صرف نصب دستگاه شارژ و خرید دستگاه تلفن سیار خواهد شد. حق مکالمه ی تلفن سیار برای هر پالس یک دقیقه ای ۲۰۰ ریال تعیین شده است. این مقدار از حق مکالمه ۱۴ ریال برای هر پالس سه دقیقه ای مکالمه ی معمولی به مراتب بیشتر است.

ماده معدنی جدید به نام دانشمند ایرانی

یک کانی جدید که سال گذشته توسط دانشمندان آکادمی علوم روسیه کشف شده است به پاس خدمات علمی پروفیسور دکتور محمود ترکیان محقق ایرانی، ترکیانیت (Tarkianit) نام گذاری شد. پروفیسور ترکیان که مدتی ریاست دانشکده ی معدن شناسی هامبورگ را به عهده داشت، مدت ۱۷ سال است که در این دانشکده مشغول به تدریس است. گفته می شود که کشف تنها معدن پلاتین آمریکا مدیون تحقیقات این دانشمند ایرانی می باشد.

واگذاری ۵ میلیون هکتار مرتع به بخش خصوصی

ربیع فلاح معاون وزیر جهاد سازندگی و رئیس سازمان جنگل ها و مراتع در مورد واگذاری مراتع کشور اخیراً اظهار داشت که در حال حاضر ۷۰۰ هزار هکتار از مراتع نقاط مختلف کشور آماده ی واگذاری به دامداران است و تا پایان امسال ۳ میلیون هکتار از مراتع به مرتعداران واگذار خواهد شد و این مقدار تا پایان سال آینده به ۵ میلیون هکتار خواهد رسید.

بدنبال شکست در مسابقات جام جهانی بازیکن تیم ملی کلمبیا به قتل رسید

حادثه ای گرانتر را بدنبال خود داشت و آن قتل یکی از اعضای تیم ملی آن کشور بود. "اسکوبار" بازیکن امید های جام پانزدهم محسوب می شد. نتایج یکساله گذشته ای که این تیم بدست آورده بود و از جمله پیروزی ۵ بر صفر در برابر آرژانتین، پشتوانه این نظر بود که کلمبیا یکی از مدعیان جام جهانی ۱۹۹۴ است. اما این تیم با دو شکست پی در پی در برابر تیم های رومانی و آمریکا همه امید های خود را از دست داد و علیرغم پیروزی بر سوئیس از ادامه مسابقات حذف شد.

تیم ملی کلمبیا همراه با کاپیتان محبوب و مرفرفری خود "والدومارو" از نظر بسیاری از کارشناسان یکی از امید های جام پانزدهم محسوب می شد. نتایج یکساله گذشته ای که این تیم بدست آورده بود و از جمله پیروزی ۵ بر صفر در برابر آرژانتین، پشتوانه این نظر بود که کلمبیا یکی از مدعیان جام جهانی ۱۹۹۴ است. اما این تیم با دو شکست پی در پی در برابر تیم های رومانی و آمریکا همه امید های خود را از دست داد و علیرغم پیروزی بر سوئیس از ادامه مسابقات حذف شد.

بزرگان همه به مرحله دوم راه یافتند

شوند. تیم نایجریه اما بعنوان یکی از تیم های قدرتمند مرحله اول شناخته شد و در گروه خود به قهرمانی رسید. از ۸ تیمی که در مرحله اول حذف شدند ۳ تیم متعلق به اروپا، دو تیم متعلق به آمریکا و لاتین، دو تیم متعلق به آفریقا و یک تیم آسیایی بودند.

پانزدهمین دوره مسابقات جهانی فوتبال، با آغاز مسابقات یک هشتم نهایی، وارد مرحله حساس خود شد. پس از دو هفته پیکار های مقدماتی، چهره ۱۶ تیمی که به این مرحله راه یافتند، مشخص شد. هر چند آخرین مسابقات دوره مقدماتی با شگفتی ها و جابجایی های تیمها در گروه های ۶ گانه همراه بود، اما هیچ کدام از تیم های صاحب نام بجز کلمبیا در این مرحله حذف نشدند. شاید حذف کلمبیا را بتوان بزرگترین حادثه غیر منتظره مرحله مقدماتی دانست.

تیم ملی برزیل همچنان بعنوان امید شماره یک جام شناخته می شود. تیم آرژانتین بعد از آنکه مازادونا کاپیتان آن به دلیل استفاده از مواد نیروزا از شرکت در ادامه مسابقات محروم شد، تا حدود زیادی قدرت خود را از دست داد و پس از دو بازی درخشان، در نخستین مسابقه بدون "مازادونا" چهره ضعیفی ارائه کرد و ۲ بر صفر به بلغارستان باخت. ایتالیا و هلند دو تیم صاحب نام اروپایی در مسابقات مقدماتی چهره موفقی نداشتند. اما آلمان قهرمان جام گذشته، هر چند از اندازه های ۴ سال پیش خود دور است، هنوز از مدعیان بزرگ محسوب می شود و بسیاری معتقدند این تیم همراه با برزیل برگزیننده مسابقات نهایی خواهند بود.

دو تیم آسیایی شرکت کننده در جام، بازیهای خوبی را به نمایش گذاردند. عربستان سعودی علیرغم شکست در برابر هلند با دو پیروزی در برابر مراکش و سپس بلژیک بعنوان تیم دوم گروه خود برگزیده شد. کره جنوبی بازیهای زیبایی را در برابر تیم های صاحب نام آلمان و اسپانیا به نمایش گذارد. بر خلاف تیم های آسیایی، نمایندگان قاره آفریقا امسال حرف زیادی برای گفتن نداشتند. مراکش و کامرون با نتایج ضعیفی که بدست آوردند، حذف

اعتراض علیه فقر

گروهی از بازیکنان شرکت کننده در جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا، با صدور بیانیه ای علیه افزایش فقر در جهان اعتراض کردند. در اعلامیه این بازیکنان آمده است: "ما بازیکنان فوتبال حاضر در جام جهانی ۱۹۹۴ اعتراض خود را به سیاست حاکم بر جهان که تلاش بر ادامه فقر دارد، اعلام می داریم. سیاستی که در پی آن روزانه بالغ بر هزاران انسان بیگناه جان خود را از دست می دهند. این بیانیه را از جمله "جنوا



صحنه ای از دیدار تیم های آرژانتین و بلغارستان

نتایج مسابقات دوریک هشتم

بوده است:

آلمان ۳	بلژیک ۲
اسپانیا ۳	سوئیس صفر
سوئد ۲	عربستان ۱
رومانی ۳	آرژانتین ۲

باتصمیم شورای اقتصاد

قیمت دارو افزایش می یابد

بهای داروهای تولید داخلی ۳۸ درصد و داروهای وارداتی ۱۰۰ درصد افزایش خواهد یافت

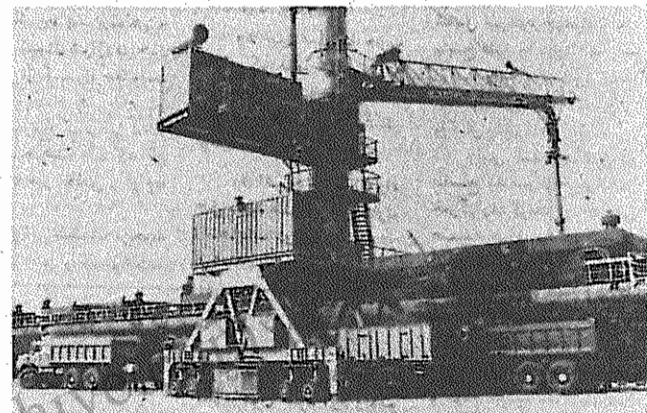
بنا به تصمیم شورای اقتصاد بهای دارو افزایش خواهد یافت. این افزایش در مورد داروهای تولید داخلی بطور متوسط ۳۸ درصد و در مورد داروهای وارداتی ۱۰۰ درصد خواهد بود. دلایل این گران شدن، افزایش هزینه های دستمزد واحدهای تولید دارو، افزایش بهای شکر و تهیه منابع ارز مورد نیاز برای واردات دارو و مواد اولیه صنایع داروسازی از بازار آزاد اعلام شده است.

در بودجه سال ۷۳، حدود ۴۰۰ میلیون دلار ارز به نرخ دولتی آن برای مصارف دارویی در نظر گرفته شده است. اما ظاهراً این مقدار کفایت نمی کند و نیاز ارزی برای تامین دارو

بیش از این است. علاوه بر این دولت قادر نیست با اساساً نمی خواهد همان ۴۰۰ میلیون دلار ارز سوبسیدی را که در بودجه سال ۷۳ تصویب شده، در اختیار وزارت بهداشت و درمان برای تامین دارو قرار دهد.

تصمیم شورای اقتصاد شامل افزایش قیمت شیر خشک خواهد شد. اما این شورا تصویب کرده است که واردات شیر خشک بانرخ بازار آزاد، آزاد اعلام شود. به این ترتیب بزودی عملاً قیمت شیر خشک نیز افزایش خواهد یافت. به هنگام تصویب بودجه سال ۷۳، یکی از مواردی که نمایندگان مجلس به کرات و با افتخار بر آن

بازرگانی خارجی ایران در سال ۹۳ میلادی به نصف کاهش یافت



بر اساس آمارهای منتشره، مبادلات تجاری جمهوری اسلامی با شش کشور طرف تجاری عمده ایران در سال ۹۳ به نصف کاهش یافته است. این افت مبادلات نتیجه کاهش شدید درآمدهای ارزی در اثر کاهش بهای نفت و بحران بدهی های خارجی دولت جمهوری اسلامی بود.

کاهش درآمدهای ارزی موجب تقلیل واردات شد، بطوریکه میزان واردات ۲۹ میلیارد دلار در سال ۷۱ به حدود ۱۲ میلیارد دلار در سال ۷۲ کاهش یافت. از سوی دیگر ناتوانی دولت در بازپرداخت بسموع بدهی های خارجی خود، موجب امتناع کشورهای طلبکار از دادن اعتبارات جدید بازرگانی به دولت جمهوری اسلامی شد.

زاین که یکی از طرفهای تجاری عمده با جمهوری اسلامی است، در سال میلادی گذشته با کاهش بیش از ۵۰ درصد از حجم صادرات اش به ایران، حدود ۱/۵ میلیارد دلار کالا به ایران فروخت. واردات زاین از ایران نیز ۱۸ درصد کاهش یافت و به ۲/۵ میلیارد دلار رسید. عمده خرید زاین از ایران نفت است.

صادرات آلمان به ایران در ۱۰ ماه سال ۹۳ حدود ۲ میلیارد دلار بود

که نسبت به سال قبل، کاهش بیش از ۵۰ درصد نشان می دهد. در همین مدت واردات آلمان از ایران ۶۶۰ میلیون دلار بود.

صادرات ایتالیا به ایران در ۹ ماه اول سال ۹۳، ۲۰ درصد کاهش داشت و به ۹۸۰ میلیون دلار رسید. واردات ایتالیا از ایران در همین مدت حدود یک میلیارد دلار بود. صادرات انگلستان به ایران با ۱۲ درصد کاهش به ۷۲۲ میلیون دلار رسید و واردات این کشور از جمهوری اسلامی با ۵۰ درصد افزایش به ۳۶۵ میلیون دلار افزایش یافت.

صادرات آمریکا به ایران بر

خلاف روند افزایشی سه سال قبل، ۱۸ درصد کاهش یافت و به ۶۱۶ میلیون دلار رسید. واردات آمریکا از ایران تنها حدود ۲۰۰ هزار دلار بود. لازم به توضیح است که این ارقام شامل مبادلات مستقیم آمریکا و دولت جمهوری اسلامی می شود. فرانسه تنها کشوری است که در سال ۹۳ افزایش صادرات به ایران داشت. در این سال صادرات فرانسه به ایران ۷۲۵ میلیون دلار بود که ۴/۵ درصد رشد داشت. واردات فرانسه از ایران با ۲۱ درصد افزایش به یک میلیارد و ۴۳۰ میلیون دلار رسید. صادرات فرانسه به ایران در سال ۹۲ شدیدا افت داشت.

میزان فرسایش خاک در ایران

۱۰ تن در هر هکتار است

هر هکتار، از آفریقا نیز جلوزده است! فرسایش خاک های حاصلخیز کشاورزی در ایران به حدی است که اگر چاره ای بر آن نشود، کشاورزی و محیط زیست ایران در آینده نه چندان دور با فاجعه روبرو خواهد شد. چندی پیش خیرگزاری جمهوری اسلامی در گزارشی هشدار دهنده در این باره نوشت: بطور متوسط سالانه ۱/۵ میلیارد تن از مرغوب ترین و مساعدترین خاکهای قابل کشت که معادل ۴۰۰ هزار هکتار از اراضی حاصلخیز کشورمان می شود، فرسوده و از بین می رود و چنانچه کاری در این مورد صورت نگیرد، فرسایش خاکهای حاصلخیز به سه برابر افزایش خواهد یافت. در این گزارش همچنین آمده بود: سالانه ۱۰۰ میلیون تن رسوب خاک با ترکم در پشت سد های بزرگ کشور، از ظرفیت تولید آب و برق می کاهد که به این زوال و انحطاط، باید گسترش خزنده کویر، شنهای روان، شوره زارها و وقایعی چون خشکسالی، سیلابها و توفانهای سهمگین و زلزله را اضافه کرد.

اجلاس

کنفرانس جهانی کار

هشتاد و یکمین اجلاس کنفرانس جهانی کار در تاریخ ۱۷ خرداد در ژنو آغاز یکبار کرد. این اجلاس همزمان با هفتاد و پنجمین سالگرد تأسیس سازمان بین المللی کار است و به همین خاطر بطور غالی دبیر کل سازمان ملل متحد نیز در افتخار اجلاس شرکت داشت و به سخنرانی پرداخت.

ریاست اجلاس امسال به عهده "چارلز گری" کارگر آمریکایی و یکی از فعالان با سابقه سندیکا پی ان کشور است. این نخستین بار است که ریاست کنفرانس را یک کارگر عهده داری می شود.

در این اجلاس مطابق معمول همه ساله نمایندگان کارگران و کارفرمایان و دولتها از کشورهای مختلف جهان شرکت دارند. این اجلاس که هر ساله به مدت ۴ تا ۵ هفته برگزار می گردد، نحوه اجرای مقررات و پیمان های بین المللی مربوط به کار و حقوق کارمندان نقض آن از طرف دولتها امضا کننده پیمانها، مورد بررسی قرار

طغیان دریای خزر

اکونومیست - به نقل از "صفحه اول"، شماره ۲۷

در نتیجه ساکنان آنها متحمل خسارات سنگینی شده اند. در همین راستا راه آهن سراسری قفقاز که از مرز ایران تا مسکو امتداد می یابد نیز در معرض آب گرفتگی قرار دارد. در پی پیشروی نگران کننده آب دریا بوریس بلتسین خواستار تدوین برنامه ای برای حفاظت از مناطق ساحلی و تحقیق درباره علل اصلی بروز این پدیده شده است. طبق کنوانسیون رامسر که میان ایران و روسیه به امضا رسیده است، موضوع پیشروی آب دریا تحت بررسی است.

بالا آمدن سطح آب دریای خزر نه تنها یک ضایعه اقتصادی است، بلکه آثار و پیامدهای ناگوار زیست محیطی فراوانی نیز به همراه دارد. به واسطه وجود واحدهای صنعتی فراوان در حاشیه دریای خزر، آب این دریا شده پدیده مواد نفتی و فلزات سنگین آلوده است. میانگین آلودگی نفتی در بندر کوهک اکنون دوازده بار بیش از میزان مجاز آن است.

افزایش سطح آب این آلودگی را تشدید می کند. بخش اعظم سواحل خزر از لحاظ نفتی غنی هستند و در برخی نقاط ساحلی هم چاههای نفتی متعدد وجود دارد که پیشروی آب دریا به آن نقاط، نفت و مواد آلوده به نفت را به درون دریای می کشاند.

اگر برای رفع آلودگیهای موجود و ممانعت از تشدید آن به ترتیبی که گفته شد، تدبیری اتخاذ و به موقع اجرا گذاشته نشود، حیات آبیان ارزشمند این دریا از جمله ماهی خاویار گرانبهای آن بزودی در معرض نابودی کامل قرار خواهند گرفت.

توریستی اختصاص یافت. اکنون دریا زمینهای خود را باز پس می گیرد. سازمانهای مسئول امور محیط زیست ایران و روسیه اعلام می کنند که با پیشروی آب دریا تاکنون مجموعاً ۳۲ هزار کیلومتر مربع از اراضی دو کشور به زیر آب رفته است. زمینهایی که آب دریا آنها را فرا گرفته است در بیشتر نقاط بسیار مسطح هستند و همین امر باعث گسترش سریع آب در سواحل می شود.

در روسیه امواج دریا به بیش از یکصد روستا رسیده است و بیش از هزار کیلومتر مربع از اراضی در معرض آب گرفتگی است. در این منطقه یک خط انتقال نیروی برق به طول هزار کیلومتر وجود دارد که پیشروی آب دریا آن را نیز تهدید به نابودی می کند. در برخی نقاط ایران پیشروی آب دریا به ۲۰ کیلومتر می رسد. در ترکمنستان آب دریا مناطق مسکونی شهر "چلکن" را فرا گرفته است و بخش مرتفع شهر بزودی به یک جزیره تبدیل خواهد شد.

از لحاظ وسعت اراضی اشغال شده توسط آب دریا، بیشترین زیان متوجه جمهوری قزاقستان شده است جایی که بیش از ۲۰ هزار کیلومتر مربع از اراضی خود را به این ترتیب از دست داده است. همچنین فرودگاه "آتیرا" نیز در این جمهوری به محاصره آب دریا درآمده است. در آذربایجان وسعت آب گرفتگی از ۷۰۰ کیلومتر مربع بیشتر نیست. ولی این نواحی شامل بخشهایی از بهترین زمینهای مزروعی و همچنین روستاهای پرجمعیت بوده است که

سطح آب دریای خزر همچنان بالا می آید و دلیل اصلی آن هنوز برای کسی شناخته شده نیست. این پدیده تهدیدی جدی برای روسیه، ایران و سایر کشورهای حاشیه دریا به حساب می آید. طی پانزده سال گذشته سطح آب بیش از دو متر بالا آمده است و به دنبال آن بسیاری از دهکده ها، زمینهای مزروعی و کارخانه های ساحلی به زیر آب رفته اند. سطح آب همچنان سالی ۱۵ سانتیمتر بالا می آید. دانشمندان و پژوهشگران مرکز مطالعات خزر در پا کو گفته اند که تا سال ۲۰۱۰ سطح آب این دریا پنج متر دیگر افزایش خواهد یافت.

کشورهای حاشیه دریای خزر دلا یل متعددی برای بالا آمدن آب ذکر کرده اند. روسها می گویند این یک نوسان طبیعی است. اما ایران در این مورد روسها را مقصر می داند. ایرانیها می گویند که بخش عمده افزایش سطح آب ناشی از قطع ارتباط دریای خزر با خلیج قره باغ است، جایی که قبلاً به عنوان یک حوضچه تبخیر طبیعی وسیع عمل می کرد.

سطح آب دریای خزر در گذشته نیز بارها به دلا یل نامعلوم با تغییرات فاحش روبرو بوده است. از اواخر دهه ۱۹۲۰ تا نیمه دهه ۱۹۷۰ سطح آب پیوسته پائین می رفت. تا سال ۱۹۷۷ سطح آب به ۳۰ متر پائینتر از سطح آب دریا های آزاد رسید (این میزان تنزل طی پنج قرن گذشته بی سابقه بود). در دهه ۱۹۴۰ بهره برداری از بستر خشک شده دریا آغاز شد و این اراضی به ساخت مسکن، کارخانه و گردشگاههای

ضعف دلار و سقوط قیمت سهام و اوراق بهادار در سطح جهان

جدی برای حمایت از دلار درست زده است. یک دلیل این واکنش احتمالاً آنست که علیرغم کاهش نسبت چشم گیر قیمت دلار در برابرین و مارک میانگین وضعیت دلار در برابر مجموعه ای از ارزهای خارجی تغییر جدی طی ماههای اخیر نداشته است. چرا که دلار آمریکا در برابر کانادا و ارزهای آمریکایی لا تین - که طرف های مهم تریا زرگانی خارجی آمریکا هستند افزایش محسوس داشته است. میانگین تنزل قیمت دلار در جهان فقط چیزی حدود یک تا یک و نیم درصد بوده است که گرچه قابل ملاحظه است اما بلوا ساز نیست.

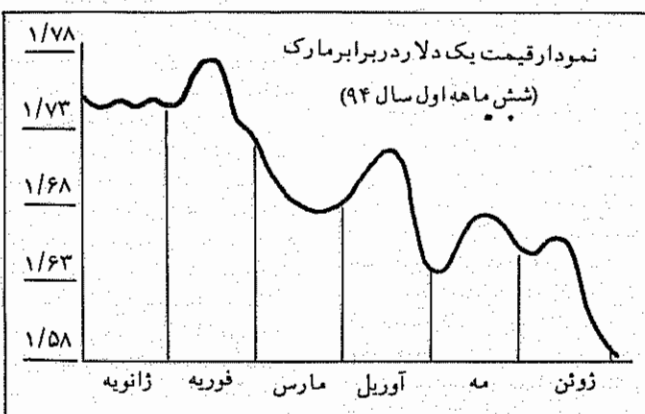
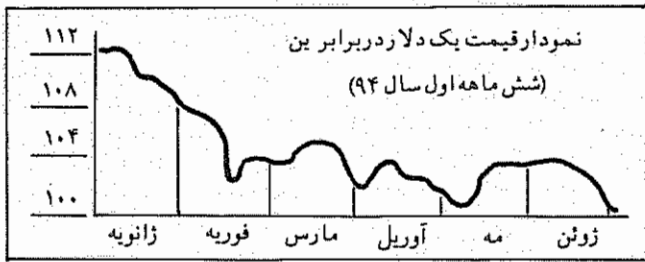
اینکه دولت کلینتون حساسیت فوق العاده ای در قبال ضعف دلار از خود نشان نمی دهد، دلا یل دیگری نیز دارد. برداشت این دولت اینست که یک رونق ضعیف اما طولانی بهتر است از یک رونق بسیار چشمگیر اما زود گذر. رونقی که هر چه چشمگیرتر و باشد رکود چشمگیرتر و خورد کننده تری را می تواند به دنبال آورد. در شرایطی که آمریکا قادر است ضعف دلار در برابرین و مارک را با تقویت موقعیت آن در برابر پول های کانادا و آمریکایی لا تین تا حد قابل قبول جبران کند دلیلی وجود ندارد که با تغییر در سیاست های پولی، بخصوص افزایش نرخ بهره ویا دیگر تصمیمات هر اسان کننده دولت آمریکا دفاع سرسخت از دلار در برابرین و مارک را به صلاح ببیند. گران شدن ین به صادرات زاین لطمه و به رکود در این کشور دامن می زند و این وضعیت می تواند برای آمریکا هم دردسرا فرین باشد اما نه تا آن حد که دولت این کشور در وضع فعلی وادار با علاقمند به اتخاذ تصمیم های خطیر گردد.

محصولات آمریکایی با اقلام مشابه اروپایی و ژاپنی است مهمترین عامل از آنجا که دلار پول اصلی بین المللی است ضعف آن همه ی اقتصاد جهان را تحت تاثیر قرار می دهد. طی دو هفته اخیر در عمده ترین مراکز مالی دنیا قیمت سهام شرکت ها نزولی مستمر اما نه چندان شدید را شاهد بوده است. وضعیت دلار در برابرین و مارک نیز تا حد معین افزایش عمومی در نرخ طلا و نفت را موجب شده و نگرانی نسبت به تورم را دامن زده است.

دولت آمریکا همچنان در برابر فشارها روی دلار نسبتاً خونسرد است و هنوز به اقدامی برای افزایش نرخ بهره و یا اعمال فشار خارجی

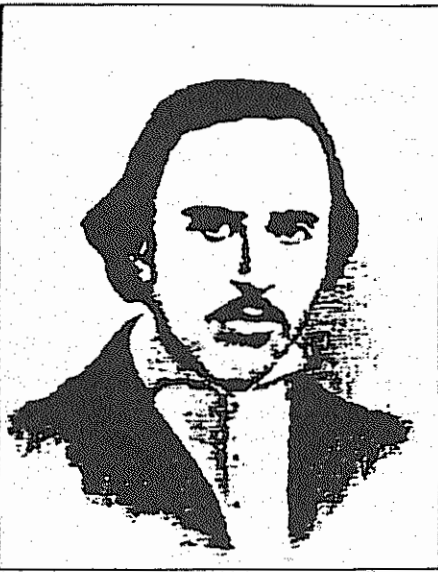
دو هفته گذشته روزهای تلخی برای دلار بود. برای اولین بار پس از جنگ دوم جهانی بهای دلار در برابرین زاین به زیر ۱۰۰ در برابرینک دلار تنزل کرد. از ابتدای سال ۹۴ تاکنون دلار بیش از ۱۰ درصد قیمت خود را در برابرین از دست داده است. دلار در برابر ارزهای اروپایی نیز موقعیتی ضعیف داشت. مهمترین تنزل در برابرین مارک آلمان بود. افزایش بهای مارک در مقابل دلار به بیش از ۵۰ درصد رسید.

ضعف دلار از مزایای قابل رشد اقتصادی آمریکا - حتی در دوره ی رونق فعلی - و افزایش عدم تعادل در موازنه پرداخت های این کشور، که در مجموع به کاهش قدرت رقابت



بمناسبت هفتادمین سال شهادت میرزاده عشقی

شاعر آزادپنجاهی که آماج تیر استبداد شد!



کرد. از این رو رجوع دوباره ما به پیشگامان ادبی دهه های پر جوش و خروش آخرفقرن پیش، پیش از نگاه نقد گونه به کم و کیف فرآورده های هنری آنها باید ستایشگر آن جانهای شیدایی باشد که در شرایط سلطه جهل و فقر و عقب ماندگی کمر به افشای استبداد و روشنگری اذهان عمومی بستند و از گذشتن از جان خویش دریغ نوزیدند. و عشقی یکی از آن چهره های تابناک بود که درخت زندگیش به تیر کشنده ی استبداد از بر آوردن بیشتر باز ایستاد و شعرش امروز برای ما گواهی ارزوم و تلاش پدران ما در راه برپایی ایرانی آزاد و آباد است، تلاشی که هنوز جریان دارد و تا دستیابی به جامعه ای مبتنی بر آزادی و عدالت ادامه خواهد یافت.

نظام جمهوری، از هم آوایی بارضاخان سرباز زد و در روزنامه "قرن بیستم" با شعرونوشتارهای خویش به افشای "جمهوری قلابی وی پرداخت. او، در شعر "جمهوری سوار پس از بر شمردن توپخانه های مکرر انگلستان برای تسلط کامل بر ایران، جمهور یخواه شدن رضاخان را نیز یکی از این توپخانه ها خوانده و می سراید:

(انگلستان) گفت جمهوری بیارم در میان هم از آن بردست خود گیرم عنان خلق جمهور یطلب را خرق کنم زآنکه کردم بعد از این بدتر کنم نقش جمهوری به پای خربست محرمانه زد به خم شیره دست ناگهان ایرانیان هوشیار هم ز خریدین هم از خر سوار های و هو کردند کاین جمهوری است در قاره گرچه او بفروری است پای جمهوری دست انگلیس دزد آمد، دزد آمد، آی پلیس این چه بیرقهای سرخ و آبی است؟ مردم، این "جمهوری قلابی" است.

روزنامه حاوی اسن شهر که هجو و کاریکاتورهای دیگری نیز در افشای جمهور یخواهی رضاخان را شامل می شد، بلافاصله توقیف کردند. تحمل افشاگر یهای عشقی برای رضا خان که به پشتیبانی بیگانگان روزه روز قدرت بیشتری می یافت، دیگر دو شوار شده بود. لذا روز بعد از توقیف "قرن بیستم" دو نا شناس به خانه عشقی وارد شده و تیری در سرا و خالی کردند و بدینسان عوامل استبداد و وابستگی بر زندگی شاعر ۳۱ ساله ای که جز آزادی مردم و استقلال میهن هوای دیگری در سر نداشت، نقطه پایانی نهادند.

عشقی با شعرها و مقالات خویش که از روح آزاد پخواهی و میهن دوستی سرشار است از سلاله شاعران مبارز دوران مشروطیت به شمار می آید که با قلم و قدم خویش در راه حفظ و گسترش دستاوردهای آن انقلاب پیگیرانه کوشیدند و سرانجام نیز جان در راه آرمان ولای خویش نهادند.

حضور فعال در صحنه های پر تلاطم اجتماعی و فرهنگی سرودن شعرهایی در رابطه روند شتابان حوادث مرعب شده که شعر عشقی نیز به رغم ابداعات و نوآوریها، بسان بیشتر شعرهای دوره مشروطیت از استواری و بختگی کلام برخوردار نباشد و جنبه ی احساس و بی توجهی به سازو کارهای زبان در آن، اینجا و آنجا برجستگی بیابد. با اینهمه نباید از نظر دور داشت که در سالهای حول و حوش انقلاب مشروطیت، نقش و رسالتی بر عهد ه قشر کم شمار نویسندگان و شاعران آزاد پخواه قرار گرفته بود که نمیشد به خاطر رسیدن به مطالعات فنی و بهبود جنبه های مختلف تولید هنری خود، از زیر آن شانه خالی

۱۲ تیر امسال مصادف با ۷۰مین سالگرد شهادت شاعر آزادیخواه و پرهوشور ایران میرزاده عشقی است. عشقی ۱۵، ۱۶ ساله بود که انقلاب مشروطیت در گرفت، رویدادی که شور آزادیخواهی و میهن پرستی را در وی برانگیخت و او را به یکی از چهره های برجسته ادبیات پر خروش و اسپین سالهای سده پیشین بدل کرد. عشقی به سال ۱۳۱۲ هجری قمری در همدان زاده شد و سالهای نوجوانی را به آموختن زبان فارسی و فرانسه گذراند. در ۱۷ سالگی از درس و مدرسه و ابرید وقت خود را یکسره وقف فعالیت های اجتماعی نمود. در ۲۰ سالگی در همدان روزنامه ای دائر کرد به نام "نامه عشقی" اندکی بعد راه سفر پیش گرفت و چند گاهی را در استانبول در میان ملیون و آزاد پخواهان ایران که عمدتاً در این شهر اقامت داشتند، گذراند. در همان جا بود که نخستین شعرهای خود همچون "نوروزی نامه" و "آپرای رستاخیز شهر یاران ایران" را بر سرود.

سال ۱۳۳۷ هجری قمری عشقی با ورود به تهران به ایجاد ارتباط و آشنایی با تعدادی از نویسندگان معاصر خویش پرداخت و به هواداری از حزب سوسیالیست (به رهبری سلیمان میرزا اسکندری) وارد کارزار سیاسی شد. و این هنگامی بود که با کشته شدن ستارخان، حیدر عمواوغلی، غفارزاده و ... انقلاب مشروطیت نفس های آخر خود را میکشید و عنصر وابسته و وطن فروشی همچون وثوق الدوله در مقام نخست وزیری مشغول عقد قرارداد ننگین ۱۹۱۹ با انگلیس و وانهادن مقدرات کشور به استعمار گریز بود.

عشقی با قلم رسا و برای خود شعرهای آتشینی در نکوهش وثوق الدوله و قرارداد مذبور سرود و در مقالات و سخنرانیهای خود دمی از افشاگری باز نایستاد. او قرارداد را معامله فروش ایران به انگلستان لقب داد. وثوق الدوله حملات و افشای گریه های شاعر تابا نیاورد و حکم به دستگیری اش داد. لیکن دیگر ایران علیه قرارداد بسیج شده بود و مخالفت ها و قیام های پر دامنه در تهران، تبریز و شمال و جنوب مانع از آن بود که امضای وثوق الدوله در زیر قرارداد اعتبار و سندیت پیدا کند. بدینسان بود که از قرارداد وثوق الدوله بجز نام ننگینی نماند و در عوض عشقی با گردنی افراشته از زندان به درآمد. با وقوع کودتای سید ضیاء - رضا خان در اسفند ۱۲۹۹ شمسی بسیاری از روشنفکران و نویسندگان آزاد پخواه از شناخت عوامل پشت پرده غافل مانده و دولت جدید را آغاز تحولی نوین در تاریخ ایران ارزیابی نمودند. ایرج میرزا، کلنل بسیان، عارف و عشقی از جمله افراد بودند. عشقی از سقوط کابینه ۹۰ روزه سید ضیاء به تلخی یاد کرد و او را در شعرهایش مورد ستایش قرار داد. وی اما چند ی بعد (۱۳۰۳) هنگامی که رضا خان به تشویق بیگانگان در پی برانداختن نظام سلطنتی و استقرار جمهوری بر آمد، به رغم گرایش به

رؤیای چای

در آخرین ایستگاه
پسری از تو یوس
... پیاده شد.
نه ستاره ای؛

نه هیچ رویای روشنی
... در زیر پلک
دود کشهای کارخانه
از نزد یک پیدا

در آخرین ساعات شب
مردی
ته خط پیاده شد
با صورتی چهارده ساله
و دستهای کهن
ماه نمی تابید.
استکانی چای؛
آرزویی بود خواب مانده
... در اتوبوس

محمد رضا عدل

در میان شعرهای عشقی، شعر "کفن سیاه" یکی از افشاگرانه ترین و نکوهنده ترین شعرهایی است که در واپسین سالهای قرن پیش و در شرایطی که جهل و خرافه و استبداد کوچکترین حقی برای زنان قائل نبود، در مورد حجاب سروده شده است. این شعر امروز نیز که فقهای حاکم دوباره زنان ما را در قید حجاب می خوانند و آرزوی بازگرداندن اعصار ماضی را در سر می پرورند، کماکان تازگی دارد. از این رو بخش هایی از آن را با هم می خوانیم:

مر مرا هیچ گنه نیست به جز آنکه زنم
ز این گناه است که تا زنده ام اندر کفتم
من سیه پوشم و تا این سیه از تنم نکتم
تو سیه بختی و بد بخت چو بخت تو منم
منم آن کس که بود بخت تو اسپید کتم
من اگر گریم، گریانی تو
من اگر خندم، خندانی تو
بکنم گزرتن این جامه گناه است مرا
نکنم، عمر در این جامه تبا ه است مرا
چکنم؟ بخت از این رخت سیاه است مرا
حاصل عمر از این زندگی آه است مرا
مرگ، هر شام و سحر چشم به راه است مرا
زحمت مردن من بکندم است
تالپ گور کفن در تنم است
با من آریک دوسه گویند ه ما و از شود
کم کم این زمزمه در جامعه آغاز شود
زن کند جامه شرم آروسرا فرزند شود
لذت از زندگی جمعیت احرار از شود

ورنه تازن به کفن سربرده
نیمی از ملت ایران مرده

شماره دیگری از فاخته

کتاب جدید چامسکی

شماه ۶ و ۵ (بهار ۱۳۷۳) فصلنامه "فاخته" اخیراً انتشار یافت. این فصلنامه که سردبیری آن را عدنان غریفی به عهده دارد از سوی انجمن پناهندگان ایرانی در هلند منتشر می شود و مطالب و نوشتارهای آن به ادبیات و هنر اختصاص دارند. شماره جدید فاخته حاوی مقالاتی است با عنوان "آندیشیدن به زبان (اسماعیل خویی)"، "بازهم در گستره املاء" (سعید یوسف)، "فرار و نویسنده در فرار" (قادر عبدالله)، "تبعید و خلاقیت هنری" (م) - عصا حبه های نسیم خاکسار با یک نویسنده و یک کارگردان تئاتر از تاجیکستان و چندین شعر و قصه سایر مطالب "فاخته" را تشکیل می دهند. برای تماس با فاخته می توان به آدرس زیر نامه نوشت:

Fakhteh
Postbus 22814
1100DH Amsterdam
Tel: 020-6978967

نعم چامسکی زبان شناس نامی و نقاد برجسته سیاست خارجی آمریکا در کتاب تازه خود با نام "پانصدو یکمین سال، و سلطه طلبی ادامه دارد" (Year 501. The Conquest Continues) سیاست خارجی ایالات متحده را فصل جدیدی در تاریخ پانصد ساله اشغالگری و سلطه طلبی اروپا می داند که با ورود کریستف کلمب به آمریکا آغاز گردید. چامسکی در این کتاب قدرت مند ان تاریخ آمریکا را از مندان و تبهکارانی می داند که از نابودی طبیعت، کشتار سرخپوستان و توسعه مرزها تا جنگ اخیر خلیج فارس همه و همه اجزای به هم پیوسته ای از سیاست ها و روش های آنها را تشکیل می دهند. در چارچوب این سیاست ها هم تجاوز نظامی، هم راه انداختن، دارودسته های شورشی، هم تحریم اقتصادی و هم براندازی حکومت های غیر مطلوب مجازو مشروع شناخته می شود. به گفته چامسکی این سیاست سلطه گرانه در دوران ما از طریق اهرمهایی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دنبال می شود. به دیگر سخن امروز از رهگذر تبلیغ و اجرای

تلاشی مسئولانه برای نجات تئاتر ایران

افراد مسئول آن تعیین می شود، عدم ایجاد امکانات تئاتری جدید، به گونه ای که شهر ۹ میلیونی تهران هم اینک ۴ تا ۴ سالن تئاتر درست و حسابی دارد. ... اینها همه اجزای

کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در عرصه تئاتر را تشکیل می دهند. اخیراً جمعی از کارگردانان، نماینده نامه نویس، مترجمان، بازیگران سرشناس تئاتر ایران برای رها نمودن این هنر از نابودی کامل و شکستن بن بست های موجود دست به ایجاد یک "گروه حرفه ای" با نام "گروه تئاتر معاصر زده و با ارسال ۱۹ نماینده از نویسندگان ایرانی و خارجی به دفتر رئیس مرکز هنرهای نمایشی خواستار امکانات اجرایی برای به صحنه بردن آنها شدند. حمید سمندریان، رکن الدین خسروی، پری صابر، هوشنگ جسمانی، عباس معروفی، هما روستا، حسین عاطفی، جمشید لایق و ... از جمله چهره های برجسته عضو "گروه تئاتر معاصر" می باشند. پاسخ دست اندر کاران دولتی به اقدام مسئولان "گروه تئاتر معاصر" نشان خواهد داد که رژیم امروز تا چه حد فعالیت برای ایجاد یک تئاتر حرفه ای مستقل را می پذیرد.

تئاتر به لحاظ ارتباط زنده و بلاواسطه با زیگربا تماشاچی یکی از ابزار است که رژیمهای سرکوبگر و توتالیتر از آن برای تانق گذاری بر افکار عمومی و تغییر نظرات و نگرشهای استبدادی خود به مردم سود می جویند و در همین حال راه فعالیت آزاد و بی مانع هنرمندان مستقل در آن را سد می کنند. از سوی دیگر فعالیت تئاتر با ما به هنری فعالیت است زمان بر که معمولاً دخل و خرج آن با هم نمی خواند و لذا از این حیث و نیز از جنبه های همچون محل های تمرین و امکانات نمایشی به میزان زیادی به کمکهای دولت و موسسات فرهنگی وابسته است. رژیم های استبدادی از این اهرم برای تابع کردن تئاتر به آید تلوژی و سیاست های خود بهره برداری می کنند و راه شکل گیری هرگونه تئاتر ملی، مستقل و مردمی را می بندند. اما در رژیمهای دیکتاتوریک که هدف از ارتقا تئاتر، رشد و گسترش شعور اجتماعی و درک و ذوق هنری جامعه است، کمکهای دولت معمولاً تو قعات و بیامده های مفید کننده ای را به دنبال ندارد و راه برای شکفتن استعدادها و علائق تئاتری تا حد ممکن باز است. کارگردان و هنرمند تئاتر نیز در اجرای نمایش خود ملزم

گزارشی از دادگاههای قضایی جمهوری اسلامی در محکمه شرع

خودمان به جهنم! چرا می‌خواهی آنها را بدبخت کنی؟
زن: من نمی‌خواستم. تو مجبورم کردی.
مرد: تومی‌گویی مادرم را بیندازم دور؟
زن: نخیر بنده را بینداز دورا... عجب حکایتی است. هم خرامی خواهد هم خراما. فکر کرده کلفت و آشپز. من بشورم و بپزم و جان بکنم و علیا حضرتها میل بفرمایند! چیه که پسرشان لطف



کرده و مرا به کنیزی قبول کرده. خدا لعنت کند باعث وبانی‌اش را.
خبرنگار: برای طلاق آمدید؟
زن: نه دادخواست تمکین داده. من هم پرپر و تقاضای طلاق دادم. نمی‌دانم کدام شعبه می‌افتد. شنیدم می‌شود تقاضا کنیم پرونده را بفرستند همین شعبه، تا یک جا رسیدگی شود. امروز به قاضی می‌گویم طلاق می‌خواهم. شاید رای طلاق داد. همه مان راحت می‌شویم!

خبرنگار: شنیدم که آقای گفتند بچه دارید. نه؟
زن: آره
خبرنگار: با داشتن بچه، خیال طلاق دارید؟

زن: مرگ بیکار، شیون بیکارا همه می‌گویند بچه! این بچه هم شده بالای جان زن‌ها تا می‌خواهیم خودمان را خلاص کنیم، چماق بچه را می‌کوبند توی سرمان. تا حرف بزیم همه می‌شوند دایه مهربانتر از مادر. تا زن طلاق بخواهد، یک مهر می‌چسبانند به پیشانی‌اش که فلانی بی‌عاطفه است و از انسانیت به دور است. آخه بابا! زندگی‌ای که همه‌اش دعوا و جوارو جنجال است به چه دردی می‌خورد؟ با دعوا و مرافعه بچه خوشبخت می‌شود؟ این جور که برای بچه مرگ تدریجی است.
خبرنگار: ای کاش کوتاه می‌آمدید.

زن: برای اینکه از آن وضع خلاص بشوم خواستم بروم سرکار. نگذاشتند. نشستند زیر پای پسرشان که اگر زن برود کار کنند، اخلاقش فاسد می‌شود، یاغی می‌شود، چنین و چنان می‌شود. خواستم کلاس کنکور بروم و درس بخوانم، گفتند دیگر از وقت درس خواندنش گذشته! بنشیند و بچه‌هاش را بزرگ کند و بفرستد دانشگاه. اصلا درس به چه دردی می‌خورد. درس که خواند هوس کار می‌کند.
خبرنگار: نظر شوهرتان چی است؟

زن: چی می‌خواستید باشد. می‌گویم من زن خانه دار می‌خواستم که گرفتم. می‌گویند شاغل، نه زن است و نه مرد! زن باید توی خانه

صحبت، صحبت و اندوه مشترک میلیون‌ها انسان است. میلیون‌ها زن. زنانی که در شرایط غیرانسانی و فلاکت‌بار حکومت اسلامی، همانند بردگان قرون وسطی جسم و جان‌شان استثمار می‌شود و فریاد اعتراض‌شان در چرخ‌سنت و قوانین متحجر و محدود و تعابیری چون "نجابت" و "حرمت و ناموس خانواده" سرکوب می‌گردد. دادرسان آنان آخوند‌هایی هستند که خودبانی تبعیض و تعدی به حقوق ابتدایی زنان و مبلغ بازگشت آنان به آشپزخانه‌اند.

هر روز در دادگاه‌های مدنی خاسته‌ها، در تهران و شهرستانها، هزاران زن گریان با کودکان ریز و درشت خود از این راهرو به آن راهرو، از نزد این حاکم شرع به نزد آن یکی می‌آیند. ریشور گردانند. زنانی که پس از سالها زندگی مشقت‌بار، از سوی شوهرانشان به "نافرمانی" متهم‌اند و از سوی حاکم شرع محکوم به فرمانبری و تمکین به شوهر. آنچه می‌خوانید، شرح حال زنانی است که در راهروهای دادگاه مدنی خانواده به انتظار محکمه نشسته‌اند و گوشه‌هایی از رنج آنان در صفحات روزنامه‌های چاپ تهران بازتاب یافته است.

مجمع قضایی شماره... فروردین ۱۳۷۳
خواهان: آقای الف. ح - کارمند وزارت... متولد ۱۳۳۴
خواننده: خانم ف - ح - تلفنچی - متولد ۱۳۴۴

خواست: تمکین
مرد: این بازیها چیه درمی‌آوری؟ یک دقیقه گوش کن ببین چی می‌گویم.
زن: ببین! برای اینکه هردو تایمان راحت بشویم، بهتر است از هم جدا بشویم. طلاق بده و خیال هردو تایمان را راحت کن.
مرد: کدام دوتا؟ ما که دوتا نیستیم. ما چهار تاییم! بچه‌ها را به حساب نمی‌گذاری؟
زن: یک دفعه بفرمائش تاییم. یادت رفت مادر و خواهرت را حساب کنی. چه عجب! یکبار هم شده آنها را گذاشتی کنار.
مرد: باز هم شروع کردی؟ باز هم پای آنها را کشیدی وسط؟
زن: پای آنها وسط بود، از همان اول عروسی.
زن: کیفیت را که بر روی شانه انداخته بود، درست گرفت و به انتهای راهرو رفت و از پنجره مشرف به خیابان، به بیرون ساختمان چشم دوخت.

کمتر از نیم ساعت بود که آمده بودند، در طول این مدت، دومین بار بود که مرد به سوی زن می‌رفت و سپس از ردوبدل شدن چند جمله، زن از او فاصله می‌گرفت.
مرد: حالا دیگر ما را می‌بینی رویت را برمی‌گردانی؟
زن: بچه‌ها کجا بپند؟
مرد: جای همیشگی‌شان.
حالت خوبست؟
زن: برای احوال‌پرسی خیلی دیر شده!

مرد: اولاً دیر نشده و ثانیاً خودت خواستی، چه قدر گفتیم دست از این بچه بازی بردار! آخر چی چی را می‌خواهی ثابت کنی؟ می‌خواهی به کجا برسی؟ ... ما دوتا بچه داریم.

خبرنگار می‌توانم بهرسم چیست؟
مرد: این خانم، خانه شوهر را با خانه پدر عوضی گرفته، دلش می‌خواهد هیچ کس معترض کارهایش نباشد. من هم تحملش را ندارم. زن نگرفتم که هروقت می‌آیم خانه نباشد. زن گرفتم که آسوده باشم. برای راحتی زن گرفتم. نه برای جنگ اعصاب!

خبرنگار: ببخشید، اما به نظر شما زن یعنی آشپز و رختشو؟
مرد: نه ولی مگر کار اصلی زن غیر از اینها چیز دیگری هم هست؟ مرد بیرون کار می‌کند و زن هم توی خانه. زنی که بیرون کار کند دیگر حال و حوصله حرف زدن را هم ندارد. همه کارهای خانه‌اش می‌ماند. مرد که نباید توی خانه کار کند! وظیفه مرد این است که پول در بیاورد و وقتی هم خسته و کوفته آمد خانه، لم بدهد و استراحت کند، نه اینکه تا از راه رسید پیش بند بندد و ظرف بشوید.
خبرنگار: مگر انجام همه کارهای خانه به عهده شما بود؟
مرد: نه. اما اگر جلوی قضیه را نمی‌گرفتم، چه بسا کارم به آنجا هم می‌کشید!

خبرنگار: خانم‌تان قبل از ازدواج شاغل نبودند؟
مرد: نخیر. من زن خانه دار گرفتم و زن خانه دار هم می‌خواهم. اما این خانم می‌خواهد آزاد باشد. خبرنگار: خانم می‌گفتند، شما با ادامه تحصیل‌تان هم موافق نیستید؟
مرد: آن موقعی که سن درس خواندنش بود بچه‌ها در شده. حالا که از وقتش گذشته! هر چیزی موقعی دارد. درس بخواند که چی؟ همین مانده که یک لیسانس فلاپی هم بگیرد و قاپ کند به دیوار هر روز روزه سر کار رفتن را بخواند. همین جور هم مشکل داریم. وای به آن روز.

خبرنگار: دادخواست تمکین دادید؟
مرد: بله. باید بیاید و زندگی کند. حاضر نیستم طلاق بدهم. برای چی باید طلاق بدهم!
خبرنگار: واگرتیامد!
مرد: طلاق نمی‌دهم. بماند خانه پدرش. من هیچ مشکلی ندارم. خانواده‌ام مراقب بچه‌ها هستند. او را از دیدن نشان محروم می‌کنم. آخرش چی؟ مجبور است شرایطم را قبول کند.

قاضی پس از استماع اظهارات آنها و تنظیم صورتجلسه، اقدام به انشاء رای کرد.
رای دادگاه:
"در خصوص دعوی آقای - به طرفیت خانم - دایره به خواسته تمکین... دادگاه با ملاحظه اظهارات طرفین، خواسته زوج دایره به تمکین به موجب اصل ازدواج (را) موجه تشخیص داده و خوانده را محکوم از زوج می‌نماید و او را موظف می‌کند که به خانه شوهر مراجعه و بدون اجازه اودنیال هیچ کاری خارج از خانه نرود و مادامیکه به خانه زوج مراجعت نکرده به موجب ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی ناشزه محسوب می‌گردد و استحقاق نفقه و حق مسکن را نخواهد داشت."

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی:
شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.

نامه‌ای از ایران

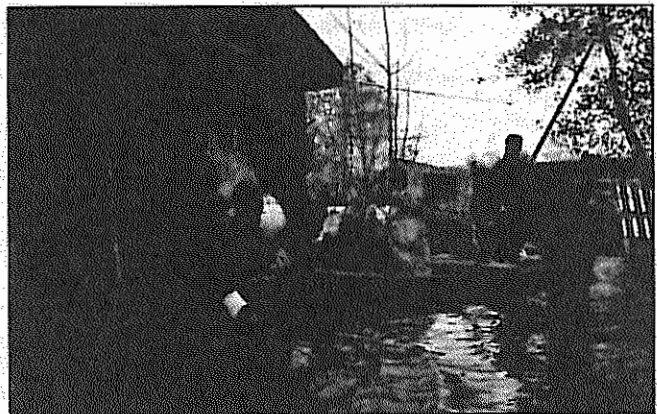
از این شرایط را در اوضاع و احوال فعلی تقریباً غیرممکن می‌سازد. به شرایط فوق باید روحیه عدم اعتماد مردم به نیروهای سیاسی که ریشه در شکست‌های تاریخی جنبش‌ها و انقلابات کشور و فشارهای ناشی از این شکست‌ها به جامعه دارد را اضافه نمود. با کم‌احتیاط می‌توان مدعی شد که شرایط جدید تأثیرات خود را بر روی نیروهای سیاسی داخل کشور نیز برجای نهاده است. با توجه به جو وحشت و عدم اعتماد و همچنین خصوصیات نیروهای روشنفکری جامعه، اندیشه سیاسی در حال حاضر جدا از حرکتهای اعتراضی مردمی، به گونه‌ای خود را به جنبش روشنفکری کشور درهم آمیخته است. در نتیجه دو حرکت با ماهیت سیاسی، در دو شکل متفاوت مردمی و روشنفکری، به موازات هم در حرکت می‌باشند و در آینده نیز هر یک نمایندگان و فعالین خاص خود را تربیت خواهند نمود.

به جرئت می‌توان گفت که سازمان فدائیان خلق (اکثریت) هنوز هم دارای نیروهای زیادی در کشور می‌باشد...
طی سالیهای اخیر شاهد نزدیکی بیشتر فعالین جریان‌های فکری مختلف در کنار هم هستیم بدین معنی که می‌توان دید رفقای اکثریتی، توده‌ای، اقلیتی، راه‌کارگری و... در کنار هم به گونه‌ای دارای روابط مشترک خانوادگی یا دوستانه می‌باشند. در آخر باید اضافه کنم از نیروهای سیاسی مطرح در جامعه باید از نیروهای سلطنت طلب و چپ‌ها، که بیشتر تحت نام چریک فدایی و توده شناخته می‌شوند، نام برد.

برف و باران در استانهای شمالی خسارات شدیدی ببار آورد

مسکونی ویران شده‌اند. خسارات ناشی از این بارندگی در سواحل شمالی تا بحال بیش از ۴ میلیارد ریال برآورد می‌شود. علاوه بر آن سرد شدن هوا و بارش شدید برف در شهرستان ما کوزندگی را در ۵۰ روستای مرزی این شهرستان مختل کرده است و به دامهای این منطقه نیز تلفات سنگینی وارد شده است. بعلمت نبودن تجهیزات زمستانی در بیلاقات عشایر مرز نشین ایران و ترکیه، سرد شدن ناگهانی هوا تلفات جانی نیز به همراه داشته است.

در روستاهای دامنه‌ای کوه سبلان نیز برف به ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر محصولات زراعی، غلات و حبوبات آماده‌ی برداشت را پوشانده و در شهرستان شاهین دژ بر اثر تگرگ شدیدی که در سی سال گذشته بی‌سابقه بوده است به مزارع و باغ‌های میوه بیش از ۲ میلیارد ریال خسارت وارد شده است.



نامه‌ای را که در زیر می‌خوانید، توسط یکی از دست‌اندرکاران سازمان در داخل کشور نوشته شده است. لازم به تذکر است که به دلیل پاره‌ای از ملاحظات و وجود برخی اطلاعات در این نامه، قسمتهایی از آن حذف و یا دوباره نویسی شده است:

خواستار بودی که برایت از اوضاع اقتصادی و اجتماعی اینجای تغییراتی که در وضعیت نیروهای سیاسی و پوزیسیون داخل پدید آمده برایت بنویسم همانطور که می‌دانی نگاهی به همه اینها در نامه کوتاهی امکان پذیر نخواهد بود.

بدنیال شکست برنامه پنج ساله اقتصادی رفسنجانی که در تحلیلی کلی می‌توان آن را شکست طیف اقتصادی سیاسی جناح معتدل درون حاکمیت اسلامی دانست و تجمع قدرت در دست جناح راست حاکمیت، بحران اقتصادی موجود جمهوری اسلامی رشدی سابقه‌ای یافت و عواقب سختی برای تمام جامعه به همراه آورد. گرانی، بیکاری، پایین بودن درآمد شاغلین، فشارهای روانی بر اثر محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی اعمال شده از طرف حاکمیت، جامعه را در وضعیتی انفجار آمیز قرار داده است. عناد و مخالفت در مقابل حاکمیت به حدی رسیده است که علیرغم افزایش نیروهای امنیتی و تشدید جو سرکوب و وحشت، جمهوری اسلامی در کنترل جامعه و مقابله با جنبش‌های اعتراضی مردمی دچار مشکلات جدی شده است.
اما عدم حضور جدی پوزیسیون سیاسی در داخل کشور و فشار سنگین در کنترل سیاسی جامعه، بهره‌گیری

شاخص‌های اساسی توسعه

دکتر حسین عظیمی - قسمت آخر - ایران فردا، شماره ۴

در نخستین بخش مقاله "مسائل اساسی توسعه" که در شماره پیشین "کار در ج" شد. دکتر حسین عظیمی، پاره‌ای از عوامل مؤثر اقتصادی و تاریخی در توسعه کشورها را مورد بررسی قرار داد. در قسمت دوم و پایانی این مقاله عوامل دیگر نظیر: نقش سازماندهی مناسب، نوع ارتباط جامعه در حال توسعه با کشورهای خارج، موازن فنی و عملی توسعه و بالاخره نقش و تأثیر ثبات نظام در توسعه مورد بحث قرار گرفته اند.

مقاله حاضر گزیده‌ای از سخنرانی دکتر عظیمی در جمع اعضای هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی (وابسته به سازمان تأمین اجتماعی) است.

دکتر حسین عظیمی استاد دانشگاه و از کارشناسان اقتصادی کشور می‌باشد و تخصص او در اقتصاد توسعه می‌باشد.

نقش سازماندهی مناسب در توسعه

عامل چهارم توسعه عامل نظام و سازماندهی است که شامل دو سه نکته می‌شود. اولاً باید از دیدگاه بینشی، نظام اقتصادی - اجتماعی هماهنگ بوده و ثانیاً ساگارب توسعه اقتصادی باشد؛ و به علاوه در این مورد توجه می‌شود که نگرش نظام به انسان چگونه باشد؛ چرا که نظام‌های مختلف انسان را به گونه‌های متفاوت می‌نگرد. مثلاً نظام مارکسیسم در تئوری محض انسان را یک موجود پاک و بی‌آلای می‌داند و بر اساس این فلسفه اگر انسان دچار مشکل است و مرکب جرم و ازاین قبیل امر می‌شود درگیر و بند روابط طبقاتی است؛ و به همین جهت، نظام مارکسیسم اعتقاد دارد وقتی که طبقات ازین برونند، انسانها مرتکب جرم نخواهند شد و به دولت هم نیاز نخواهد بود و این شعار آنها به منصفه عمل در خواهد آمد. که "هر انسان به اندازه توانش کار می‌کند و به اندازه نیازش بهره می‌برد." هر چند این نگرش در عمل غلط از آب در آمد، ولی چون نگرش این طور بوده رفتارهای خاصی هم انجام شده است. در مقابل این نگرش، نظام سرمایه داری غرب از دید خود انسان را این طور می‌بیند که در رفتار اقتصاد پیش دنبال سود می‌باشد؛ هر چند علمای اقتصاد غرب معتقد نیستند که این انسان را باید از نظر اقتصادی کلاً رها کرد. دانشمندان اقتصادی غرب معتقدند که انسان به صورت خود به خود دنبال نفع شخصی است و هر چه جامعه در این است که راهی پیدا کند که انسان فکر کند که دنبال نفع خودش می‌باشد ولی نهایتاً نفع جامعه را تأمین کند. از ابتدای کار این دانشمندان به ایجاد رقابت اعتقاد داشتند و رقابت را تجویز و ترغیب می‌کردند؛ قصدشان این بود که با ایجاد رقابت نهایتاً جامعه سود ببرد.

به هر حال، غرض این است که نگرش به انسان در یک نظام، یکی از پایه‌های آن محسوب می‌شود. بحث این است که در نظام‌های سنتی نگرش به انسان چگونه است. قبل از دوران اخیر، نگرش نظامها به انسان بلا استثنا نگرش تقسیم انسانها به دو دسته نجبا و عامه بود و این برای کلیه جوامع سنتی قبل از دوران مدرن عمومیت داشته و بواقع این تقسیم بندی از زمان تولد انسان بوده است. نجبا به مساله تولید اصلاً کاری نداشتند و همیشه آنها مصرف کننده بودند و عامه تولید کننده، و توزیع هم به هر حال با یک سیستمی انجام می‌شد و نجبا حداکثر مازاد را می‌گرفتند و مصرف می‌کردند. مثلاً در خصوص چین می‌گویند: یکی از دلایلی که این کشور در مقایسه با اروپا بیپوش توسعه پیدا نکرد - علی‌رغم اینکه از نظر علمی پیشرفت بیشتری در آن زمان داشت - این بود که مازادها تبدیل به قصرهای متعدد در جامعه چین شده و هر امپراطور برای خود قصر جداگانه‌ای ساخت که نموده‌های آن در یک و سایر جاهای چین بسیار مشاهده می‌شود ولی این مازادها در پرورده تولید بکار گرفته نشدند.

همانطور که اشاره شد، در جوامع سنتی نجبا مصرف کننده هستند و عامه تولید کننده؛ و در مصرف به حداقل بسنده می‌کنند. تولید در دنیا سنتی شکل خاصی به خود

از دید توسعه، نگرشی مهم است که در آن

تلقی نظام نسبت به انسان توام با آزادی و برابری باشد. چه اگر نظام برابری در جامعه وجود نداشته باشد در آن جامعه توسعه اقتصادی حتماً دچار مشکل خواهد گشت.

می‌گیرد و خیلی کند حرکت می‌کند و تغییرات در آن زیاد ملاحظه نمی‌شود.

از دید توسعه، نگرشی مهم است که در آن تلقی نظام نسبت به انسان توام با آزادی و برابری باشد؛ چه اگر نظام برابری در جامعه وجود نداشته باشد در آن جامعه توسعه اقتصادی حتماً دچار مشکل خواهد گشت. مساله نگرش نظام نسبت به انسان، باعث انواع نهاد‌های مرتبط با آن می‌شود. مثلاً اگر جامعه بر نگرش برابری درید و تولد

داشت. از آن طرف، از بیخشن خصوصی نباید انتظار داشت که بدون انتظار سود صرفاً کار خیریه انجام دهد. لذا با توجه به ضرورت آموزش فرهنگ ساز ابتدایی در جامعه ما، باید سهم غالب و بیشتر را خود دولت تقبل و انجام دهد و این مطلب صرفاً مربوط به مدرسه نیست، بلکه در هر زمینه توسعه‌ای دیگر نیز مصداق دارد.

خلاصه اینکه در خصوص مالکیت، مالکیت خصوصی در جامعه ایران از دید توسعه‌ای قطعاً باید مجاز باشد و قطعاً باید تشویق شود ولی نباید تنها در این زمینه به تئوریهای دوست سال پیش توجه کرد و فقط فکر شود که این مالکیت بی‌انتهای مقدس و ... است. قطعاً در بحث توسعه بخش غیردولتی جایگاه قابل توجهی را در فعالیت توسعه‌ای جامعه دارا می‌باشد، ولی در کنار آن دولت باید نقش حساس و مؤثری را داشته باشد. بنابراین، در هر نظام باید دید که اولاً نگرش آن نسبت به آدمها چگونه است و دیگر اینکه چه حدود و نظم و موازینی برای دخالت دولت وجود دارند؛ و آیا پدیده مالکیت صرفاً یک پدیده ایدئولوژیک در جامعه است یا بحث فنی در کار است که باید توسعه سازگاری دارد.

تحولات ارتباط جوامع در حال توسعه با خارج

بحث سومی در اینجا مطرح می‌شود و آن اینکه نحوه ارتباط نظام با خارج از کشور باید به چه ترتیب باشد. این ارتباط، به چند بخش تقسیم می‌گردد؛ یکی ارتباط تجاری یا عادی است، مثل صادرات و واردات که برای توسعه مهم است که این مساله هدایت شده باشد. به عبارت دیگر، آزادی مبادلات خارجی عموماً ضد توسعه است. آزادی نه به این مفهوم که دولت صادرات و واردات را به عهده داشته باشد و یا غیردولت؛ بلکه بحث بر سر این است که تجارت خارجی باید طوری سامان داده شود که از تخصیص منابع کشور به مصرف جلوگیری کند. به زبان ساده‌تر، بنا بر آزادی مثل کیش در وضعیت کنونی که به مصرف جامعه دامن بزند از نظر تئوری توسعه نمی‌تواند با امر توسعه سازگاری باشد، چه در جزیره کیش چیزهایی از مملکت خارج می‌شوند، در حالی که واردات از طریق این جزیره عمدتاً کالاها می‌صرفی است. در عین حال، اگر نحوه فعالیت در جزیره کیش طوری باشد که بشود آن را تبدیل به یک جزیره تولیدی کرد - مثلاً ما وارداتی به این جزیره داشته باشیم و بتوانیم با تولید و تبدیل، ارزش افزوده‌ای به آن اضافه نموده و می‌تواند آن را صادر نماییم - در آن صورت فعالیت در جزیره کیش با امر توسعه تطابق خواهد داشت. بنابراین، تجارت خارجی باید طوری هدایت شود که به جای واردات کالای تجملی و مصرفی و غیر ضروری، ورود کالاها سرمایه‌ای و واسطه‌ای تسهیل شود. اگر تجارت خارجی بدون هدایت بوده و ما بخواهیم در عرصه بازارهای بین‌المللی مبادرت به صدور کالاها صنعتی که کشورهای دیگر دارای برتری زیادی در این زمینه هستند بکنیم، قطعاً موفق نخواهیم بود. البته، صدور کالاها صنعتی به کشورهای دیگر که از نقطه نظر درجه صنعتی با ما هم سطح هستند می‌تواند مفهومی و معنی پیدا کند. از دید نظام، تجارت خارجی باید در جهت توسعه کشور هدایت شود؛ چرا که اگر تجارت خارجی درست هدایت نشود، چه به وسیله دولت انجام شود و چه به وسیله بخش غیردولتی، ضد توسعه خواهد بود.

بحث دیگری که باید در نظام و سازماندهی توسعه‌ای مورد عنایت واقع شود، مساله ورود و خروج سرمایه است که برای جلب و جذب سرمایه‌های خارجی از دید توسعه دو سه شرط وجود دارند که اگر برقرار باشند جامعه می‌تواند سرمایه‌های خارجی را جذب کند. یکی اینکه در سرمایه‌های خارجی باید بازده Expost از هزینه آن بالاتر باشد. به عبارت دیگر سرمایه‌ای که از خارج وارد مملکت می‌شود، چون باید اصل آن به خارج برگردد، لذا بازده آن حداقل باید معادل هزینه آن باشد. از این نظر، در سرمایه‌گذاری خارجی مساله Exante و Expost مورد توجه قرار می‌گیرد.

شرط دوم اینکه، سرمایه‌گذاری خارجی نباید به مصرف در داخل کشور دامن بزند، به عبارت دیگر، اگر سرمایه‌گذاری خارجی سبب ایجاد مصرف بیشتر در زمینه‌های غیر حیاتی در داخل کشور شود، پروسه ایجاد مازاد را دچار اشکال خواهد کرد؛ و شرط سوم اینکه سرمایه‌گذاری خارجی باید در مدار سرمایه‌گذاری توسعه‌ای قرار گیرد.

موازن فنی و عملی توسعه

علاوه بر مسائل گفته شده در بحث سازماندهی و نظام اقتصادی که عمدتاً مسائل نگرشی هستند، یک

سری موازن فنی نیز از دید توسعه وجود دارند و در این خصوص باید دید که آیا بخش فنی نظام بر مبنای موازن علمی متکی است یا نه؟ بدین مفهوم اگر در نظام دید ما این است که آدمها برابر هستند، این تنها کافی نیست، بلکه باید این مطلب تبدیل به قانون شود؛ و در قانون تفصیلی نگرش برابری باید تبیین گردد. قانونی که در مجلس برای این مطلب نوشته می‌شود، دیگر ایدئولوژیک نیست؛ چه اگر مجلس شما یک مجلس ایدئولوژیک باشد باز شما در اینجا مساله دارید و معلوم است که نگرش تثبیت شده‌ای وجود ندارد و لذا بحث می‌شود که آیا باید برابری یا نه؛ و یا اینکه مثلاً حدود مالکیت چیست. در حالی که کار مجلس با داشتن قانون اساسی باید این باشد که قانون اساسی را تبدیل به متون تفصیلی اجرایی نماید. مثلاً در اصل ۲۴ قانون اساسی مالکیت در هر یک از سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی به چهار شرط مجاز شده است؛ یکی اینکه ضد توسعه نباشد، دیگر اینکه با سایر اصول قانون اساسی مغایر نباشد، یکی اینکه با سایر اصول قانون اساسی مغایر نباشد و دیگر اینکه مایه زبان جامعه نبوده و یا لایحه‌ای که مخالف موازن شرعی نباشد؛ که معمولاً در قانون اساسی پیش از این نمی‌توان در چنین موضوعاتی بحث کرد.

حال، مجلس است که باید این شروط را به قوانین تفصیلی که مطابق موازن فنی قانون نویسی است تبدیل کند، و گرنه کار نظام دچار اختلال می‌شود. در عین حال، قانون نویسی و وضع قوانین یک کار فنی است. در بحث نظام مناسب این مساله بررسی می‌شود که آیا این موازن در تهیه قانون رعایت می‌شوند یا نه. اگر نشد توسعه کند می‌شود و در آینده دچار مشکلات بیشتر می‌گردد. البته پس از قانون نویسی، مسائل سازماندهی، نظارت بر عملکرد و غیره ... هم مطرح هستند که همه باید مطابق موازن فنی باشند تا روند توسعه کند نگردد.

عوامل مؤثر در حفظ ثبات نظام

عامل پنجم توسعه، عامل ثبات نظام است. معمولاً ثبات حتی در امور ساده اقتصادی هم لازم است. فرضاً می‌خواهیم خانه‌ای بسازیم و منابع آنرا هم داریم. اگر ما طرح و نقشه این خانه را هر چند مدت عوض کنیم، این امر موجب اتلاف منابع می‌شود. در ثبات نظام، منظور ثبات کلیت نظام است که برای امر توسعه لازم می‌باشد و در تئوری نشان داده شده است. اگر بخواهیم بفهمیم که در بلندمدت در یک جامعه ثبات برقرار است، به دو سه مساله باید توجه شود. یکی اینکه مشارکت مردم در نظام حکمرانی تا چه حد است؛ هر چه میزان مشارکت کمتر باشد، در بلندمدت ثبات جامعه کمتر خواهد بود. مشارکت هم در اینجا از طریق سازمانها و نهادها مطرح می‌شود. دیگر اینکه نظام تا چه حد برنامه‌هاش واقع‌گرایانه است و چه مقدار بلند پروازانه - درست بر خلاف تصور دولتهای جهان سوم و توسعه نیافته، برنامه‌های بلند پروازانه متزلزل کننده نظام هستند. یعنی اگر جامعه‌ای شرایط رشد اقتصادی بیشتر از ۶ درصد رشد را نداشته باشد و در این جامعه قول ده درصد رشد به مردم داده شود، چون در واقع واقع غیر عملی است، خود به خود وعده‌های داده شده به عرصه عمل در نمی‌آیند و این امر باعث بی‌ثباتی می‌شود. اگر به عنوان نمونه به

آینده کشوری مثل ما، اگر نتواند توسعه پیدا کند، آینده‌ای فوق‌العاده تاریک می‌باشد، و اگر خدای نکرده کشور ما توسعه پیدا نکند احتمال ایجاد قحطی در سی سال آینده بعید نیست و چه بسا ممکن است نیمی از جمعیت کشور در صورت بروز چنین مسائلی از بین بروند.

برنامه‌های ژاپن نگاه کنیم، ملاحظه می‌گردد که در تمام برنامه‌ها آنچه که در عمل به آن دسترسی پیدا کرده‌اند بالاتر از آن چیزی است که به مردم وعده داده شده است. علت آن هم این نیست که برنامه ریزان ژاپنی کمتر از برنامه ریزان مادریک و فهم دارند، بلکه به این خاطر است که در آن جامعه فرهنگی پیدا شده که وقتی می‌بینند که با توجه به مطالعات اقتصادی و الگوها و غیره معمولاً حدودی ارزش قابل پیش بینی است (حدود حداقل و حداکثر) برنامه ریزان حداقل ممکن را در برنامه‌ها ملحوظ می‌کنند. ولی در مالکی نظیر ما علاوه بر حداکثر، مقداری هم به آن اضافه می‌کنند؛ در صورتی که در مالکی نظیر ژاپن بر آن حداقل تا یک ناکید شده و در عمل برای حصول به حداکثر تلاش می‌شود.

علت اینکه پدیده مشارکت مهم تلقی می‌شود، این است که ثبات یک نظام در گریک شکاف و فاصله است، شکاف و فاصله بین انتظار مردم از دولت و تصورشان از اینکه چه مقدار دولت آن انتظار را بر آورده می‌کند؛ و لذا اعتقاد بر این است که هر چه مشارکت مردم در امور بیشتر شود، انتظار مردم از دولت عقلایی‌تری می‌گردد. در

چرا اتحاد چپ به فردهای دور موکول می‌شود؟

بیانیه "ارزیابی شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از اوضاع کنونی کشور" (کاز شماره ۷۸) تلاش قابل تقدیری است برای تحلیل شرایط کنونی کشور و بی‌ریزی گامهای بعدی. این تلاش در مورد پاسخ گویی به اغتشاش فکری که در ماههای اخیر نسبت به سلطنت و نیروی سلطنت طلب دامن زده شده بود موفقی است. اتحاد عمل نیروهای جمهوری خواه قطعاً نقش ارزنده‌ای در مبارزه مردم ایران برای دست یابی به یک نظام سیاسی مبتنی بر آراء عمومی ایفا خواهد کرد.

ولی آنچه را که این بیانیه مسکوت گذاشته است مسئله اتحاد عمل نیروهای چپ است که امروز ضرورت آن بیش از هر زمان دیگر در جنبش چپ احساس می‌شود. ایجاد و گسترش روحیه تفاهم و همکاری در بین نیروهای چپ برنامه‌ای است پس دشوار، طولانی و طاقت فرسا. این مهم را نمی‌توان به ماههای پیش از انتخابات "موکول کرد". بخصوص برای نیرویی که در این زمینه تجربه‌ای بسیار ناچیز دارد. در حال حاضر بدبینی، گروه‌گرایی، سیطره طلبی، حساسیهای تصفیه نشده و... فرهنگ سیاسی قالب است و سازمان ما نه تنها از آن میرانست بلکه با در پیش گرفتن مشی حمایت از جمهوری اسلامی، در گذشته نه چندان دور، در تقویت و تحکیم چنین فرهنگی مشغول است. زدودن تاثیرات بسیار مخرب این مشی از اذهان عمومی نیروهایی که در همان مقطع آماج وحشیانه ترین شکنجه‌ها و اعدامها بودند، اگر امکانپذیر باشد، قطعاً ساده نخواهد بود، و مستلزم برخوردی مسئولانه نه تنها از سوی سازمان ما که از طرف این نیروها هم می‌باشد. غلبه و جایگزینی فرهنگ تقابلی با فرهنگ تفاهم و همکاری به منظور تقویت موقعیت جنبش چپ در میان مجموعه نیروهای اپوزیسیون نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است.

عنوان اصلی این نیروها می‌تواند به شیوه نگرش آنها به دموکراسی به عنوان اساسی‌ترین هدف و نه به عنوان تنها وسیله مشروع و قابل قبول (از دید یک نیروی آزادی خواه و عدالت جو) برای دست یابی به اهداف عالیه (عدالت اجتماعی) نام برد. این دستگاه فکری معضلی اصلی جامعه ایران را توسعه نیافتگی ارزیابی می‌کند (که به عنوان تنها یکی از بیشمار معضلات دیرپای جامعه ایران همیشه در مد نظر چپ نیز بوده است) و در ازای ارائه یک تحلیل طبقاتی به طیف وسیعی از نیروهای عمدتاً ضد مارکسیستی متکی است.

عامل دوم (که به عامل اول یاری می‌رساند) برخورد بدبینانه و خصمانه برخی از نیروهای چپ نسبت به سازمان ما است که به بعضی از علل آن در بالا اشاره شد. در عین حال سکتاریسم این نیروها را به پای سازمان ما نمی‌توان گذاشت. خود محور بینی این نیروها قدمت تاریخی دارد.

برخورد بدبینانه و خصمانه این نیروها به بخشی از چپ و منجمله سازمان ما، مانعی جدی در راه اتحاد وسیع چپ است. در عین حال باید گفت که این خطایی است که اپوزیسیون راست، با "دون پاشی‌های مستمر خود برای نیروهایی چون سازمان ما، مرتکب نمی‌شود. بدون مبارزه پیگیر با این گرایشات بسیار منفی در جنبش چپ، اتحاد وسیع چپ میسر نخواهد شد.

عامل سوم ضعف پیش چپ در ارائه یک آلترناتیو است. پیش چپ در سازمان ما هنوز در مرحله بازنگری به گذشته و تلاش برای یافتن پاسخها پی‌جذب است که به تنهایی پدید به بسیار مثبتی است، ولی آشفته فکری مقطعی آن مانع اصلی یافتن جایگاه مناسب آن در صفوف سازمان می‌باشد و حتی می‌توان گفت که در مرحله‌ای به دنباله روی آن از نیروهای مدافع لیبرال دموکراسی نیز انجامیده است.

ولی برای مجموعه سازمان ما که سوسیالیسم را به عنوان آرمان خود انتخاب کرده است، اتحاد عمل نیروهای چپ نمی‌تواند تنها در چهارچوب جنبه نیروهای جمهوری خواه تعریف شود و قطعاً باید چهارچوب مشخص تری را اختیار کرد. این واقعیتی است که نیروهای چپ نه تنها در مبارزه با استبداد حاکم و برای دموکراسی که در مبارزه برای عدالت اجتماعی نیز هم سووم سنگر

این "انتخاب" انقلاب با استحاله نیست که میزان نزدیکی ما را به دیگر نیروها مشخص می‌سازد، بلکه در وهله اول سمتگیری اجتماعی این نیروهاست که مشخصه اصلی دوری ما و یا نزدیکی آنها می‌باشد.

هستند. نیاید به این بهانه که "سازمان ما برای رسیدن به اهداف خود بر اشکال مسالمت آمیز تاکید دارد" و در نتیجه "نزدیکترین نیروها با آن در نزدیکی با این مشی تشریف می‌شود" از گسترش روابط و اتحاد عمل با دیگر نیروهای چپ سرباز زد. ادامه منطقی چنین نتیجه گیری اشتباهی این است که ما امروز اپوزیسیون لیبرال را از بسیاری از نیروهای چپ به خود نزدیکتر بدانیم. این "انتخاب" انقلاب با استحاله نیست که میزان نزدیکی ما را به دیگر نیروها مشخص می‌سازد، بلکه در وهله اول سمتگیری اجتماعی این نیروهاست که مشخصه اصلی دوری و یا نزدیکی آنها می‌باشد، و در این سمتگیری، قرار دادن در ک معنی از دموکراسی و سوسیالیسم به عنوان پیش نیاز آن روندی که باید به نزدیکی هر چه بیشتر نیروهای چپ منجر شود، و از این طریق حذف بخشهایی

از طیف چپ از مشارکت فعال در این روند، نه تنها در تقابل با دموکراسی است بلکه خود آن یگانه خطایی است که سالها باعث و بانی تفرقه و جدایی در بین نیروهای چپ بوده است.

از طرف دیگر نباید تسلیم این ادعای نادرست شد که چپ مشتاق خونریزی و گام نهادن در راههایی است که به غروبی خونین منجر خواهد شد. این ادعا عمدتاً از سوی کسانی مطرح می‌شود که سرکوب و وحشیانه توسط رژیم سلطنتی را حاصل "انتخاب اشتباه" معرفی می‌کنند ولی هنگامی که خود خویش را به مقام داوری در مورد جنبش

روی گرداندن از "تکرار ملال آور تئوریهایی دانشمندان شوروی" و روی آوردن به تکرار ناشیانه تئوریهایی لیبرال دموکراسی، با هیچ محک و معیاری نشانه رشد کیفی نیست.

چپ (که جز اولین قربانیان این "انتخاب اشتباه" بوده است) می‌گمارند، طیف چپ را نیرویی افراط گرا، ماجراجویی مسئولیتی تصویری می‌کنند که تنها راه رسیدن به اهداف خویش را در توسل به قهر می‌بیند. ریشه‌های چنین ادعایی را نه در پافشاری چپ بر اهداف و آرمانهای خویش که در تلاش سخت این جریانها برای فاصله گرفتن از تحلیل طبقاتی و اثبات انفصال خود از چپی که دیگر حرفی برای زدن ندارد (؟) باید جستجو کرد. این واقعیتی است که وقتی مکانیزمهای تغییر مسالمت آمیز در یک جامعه وجود نداشته باشد هر گونه تغییر بنیادینی

لاجرم خصمانه و با اتکا به قهر خواهد بود. می‌توان پذیرفت که مبارزه یک نیروی آزادی خواه و عدالت جو در وهله اول باید در جهت دست یابی به این مکانیزمهای تغییر مسالمت آمیز باشد. ولی این نیز واقعیتی است که پروسه گذار از یک نظام استبدادی به یک نظام سیاسی مبتنی بر آراء عمومی، نه فقط به اراده چپ که در وهله اول به میزان سماجت جمهوری اسلامی، میزان رشد و آگاهی جنبش مردمی و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد. در حال حاضر تمامی شواهد در تحکیم هر چه بیشتر این نظر که ولی فقیه قدرت سیاسی خود را در اوطن به اراده و رای مردم تسلیم نخواهد کرد و در حفظ این قدرت از هیچگونه کشتار و جنایتی ابا ندارد، عمل می‌کنند. بر این شواهد باید شکست تلاش نسبی و آوازموده خود نیامخته‌ای را که مجدداً در پی شکوفایی جناح فرستجانی و تکنوکراتهای کابینه او بود، آنهم درست هنگامی که تئوریسم جمهوری اسلامی محدود و جغرافیایی ایران را در نوردیده و در چهار گوشه جهان به دنبال حریف نفس کش می‌گردد افزود. دقیقاً به این خاطر است که تلاش سازمان ما برای یافتن شیوه‌های تا حد ممکن مسالمت آمیز یا بد معنی پرواقتیات باشد که تا پیش از آنکه این تلاش به نیرویی کند کننده و بازدارنده (ارتجاعی) تبدیل گردد، به نیرویی اعتلا دهنده و هدایت کننده فراروید. در این راستا، فراموش نکنیم آن روز بهمین را که "هوانورده‌ای تیره و روشن بود - نور به ظلمت بازید با م به بام، کوچه به کوچه، پهنه به پهنه... آن روز خمینی‌یت شکن هنوز تهدید می‌کرد که دستور جهاد خواهد داد! آیا مادر بهمین "آینده مردم را به صبر رفرمیستی" دعوت خواهیم کرد؟ قطعاً چنین بهمنی در صورت غفلت نیروهایی چون سازمان ما و یا تفرقه در صفوف چپ، حمایت و رهبری شایسته خود را در جای دیگری خواهد یافت.

امروز، علیرغم ظهور نشانه‌های امیدبخش، هنوز جنبش چپ در تفرقه و پراکنندگی درد آوری گرفتار است.

پدیده نوظهور "چپهای منفرد" و در حقیقت کسانی که دیگر به هیچیک از سازمانهای سیاسی چپ اعتماد ندارند، بخشا نتیجه منطقی این تفرقه و پراکنندگی است، و چه بسیارند آن دسته از رفقای ما که بر اثر غلبه روحیه شکست، رسیدن به اهداف عدالتجویانه و انسانی خود را دیگر ناممکن می‌پندارند. در چنین شرایطی اهدای مدال "وحدت سازمانی" و "رشد کیفی" به خود اگر از روی خود فریبی خوشحیالیانه نباشد از گوش فرادادن بیش از حد به تبلیغات راست است. روی گرداندن از تکرار ملال آور تئوریهایی دانشمندان شوروی و روی آوردن به تکرار ناشیانه تئوریهایی لیبرال دموکراسی، با هیچ محک و معیاری نشانه رشد کیفی نیست. نیاید اجازه داد که آژانس تبلیغاتی "رشد کیفی" و "بلوغ سیاسی" از طریق اعلام "بلوغ" مجدد، بار دیگر آنچه را که می‌توان به عنوان عظیمترین طوفان در دستگاه فکری سازمان ما نام نهاد را اینچنین خاتمه یافته اعلام کند.

بیایید پیش از آنکه در "سی‌امین" سالگرد جنبش فداییان دوباره به تحلیل خط منشی گذشته بنشینیم، پیش از آنکه دوباره معلولها را جایگزین علتها کنیم، پیش از آنکه زمین و زمان را برای انتخاب اشتباه خود بهانه آوریم و اشتباه خود را تنها نتیجه منطقی شرایط اعلام کنیم، - حساسیت لحظه کنونی را دریابیم.

سیاستهای مصیبت بار اقتصادی جمهوری اسلامی و به موازات آن سرکوب و وحشیانه هر گونه جنبش اعتراضی اقشار مختلف مردم برای کسب حقوق صنفی، سیاسی و اجتماعی خود، جامعه ایران را بار دیگر به سوی یک انفجار اجتماعی سوق می‌دهد. اینکه این انفجار اجتماعی تا چه میزان بتواند به تغییرات بنیادین در جامعه بیانجامد در وهله اول به آمادگی، اتحاد و انسجام

امروز از تنشهای اجتماعی در چهار گوشه جهان می‌توان به وضوح مشاهده کرد که یک سیستم مبتنی بر آراء عمومی بدون وجود عدالت اجتماعی نمی‌تواند پايدار بماند و لا جرم دچار بحران گشته و به تنشهای اجتماعی بیشتری فرا می‌رود.

نیروهای چپ و در پیوند این نیرو با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان بستگی دارد. امروز از تنشهای اجتماعی در چهار گوشه جهان می‌توان به وضوح مشاهده کرد که یک سیستم مبتنی بر آراء عمومی بدون وجود عدالت اجتماعی نمی‌تواند پايدار بماند و لا جرم دچار بحران گشته و به تنشهای اجتماعی بیشتری فرا می‌رود. به عبارت دیگر تنها راه مسالمت آمیز تضمین مفاد مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، تضمین آندسته از حقوقی است که متأسفانه در آستانه قرن بیست و یکم هنوز به عنوان حقوق بشر شناخته نمی‌شود و آن حقوق عبارتند از حق کار، حق مسکن، حق بهداشت و درمان منجانی، حق آموزش منجانی و در کنار همه اینها تلاش در جهت پایان دادن به استثمار انسان از انسان. برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی حضور متحد و فعال نیروهای چپ، کارگران، اقشار مختلف زحمتکشان و مزد بگیران ضروری است. سازمان ما به عنوان یکی از عمده ترین نیروهای چپ وظیفه‌ای بسیار سنگین در راه نزدیکی و اتحاد عمل نیروهای چپ دارد. نباید این وظیفه را به فردهای دور موکول کرد. سر نوشت ایران فردا را نیروی رزم خواهد زد که نه تنها خواسته‌های بخش وسیعی از مردم ایران را نمایندگی کند بلکه با انسجام نظری و برنامه‌ای، و با اتکا به دموکراسی، طرق عملی و ملموس رسیدن به این خواسته‌ها را نیز ارائه دهد. بگوئیم تا چنین نیروی را ندانیم.

تا کید نکردیم، بدین دلیل است که بخش نفت جزء اثبات سرمایه می‌باشد؛ یعنی در صورت توسعه، بخش نفت به توسعه کمک می‌کند و فقط بخش مازاد برای سرمایه گذاری را فراهم می‌نماید؛ در حالی که معضل در شاخصهای دیگر نهفته است. به این دلیل است که در دوره ۵۶-۱۳۵۱ از ایران نفت فوق العاده فراوان استخراج و صادر می‌شد اما توسعه پیدا نکردیم، ولی در دور ۵۱-۱۳۳۵ که نفت خیلی کمتر استخراج و صادر می‌شد، ما توسعه پیدا نکردیم، ولی در دوره ۵۱-۲۵ که نفت خیلی کمتر استخراج و صادر می‌شد، از دید مقایسه‌ای نسبت به ۵۶-۱۳۵۱ ایران خیلی بهتر پیش می‌رفت. خود تئوری هم به ما نشان می‌دهد که مجموعه عوامل باید برای توسعه مهیا باشد. تا امر توسعه به وقوع نپیوندد. واقعیت این است که در اقتصادی که مادران زندگی می‌کنیم، اگر هم نتواند در این حوزه‌هایی که فوق‌بدا آنها اشاره شد تحولات اساسی صورت نگیرد، ما متأسفانه دارای آینده اقتصادی نامطلوب و پیرانشکلی خواهیم بود.

مسائل اساسی توسعه

آینده بعید نیست و چه بسا که ممکن است نیمی از جمعیت کشور در صورت بروز چنین مسائلی از بین بروند. پس اصل بحث در این است که ببینیم کشور ما توسعه پیدا می‌کند یا نه.

تئوری توسعه چنین تبیین می‌کند که توسعه همانند یک درخت است که برای طراوت آن پنج عامل وجود دارند که باید همه با هم کار کنند، و اگر کار نکنند درخت توسعه شاداب نخواهد بود. پنج عامل توسعه شامل فرهنگ، تخصص، سرمایه، نظام و وثبات نظام می‌باشد اگر بخواهیم این پنج عامل را در درخت فرضی توسعه پیاده کنیم، می‌بینیم درختی دارای رشد است که ریشه آن سالم باشد و غذای آن اندازه کافی به آن برسد. ریشه درخت توسعه فرهنگ، غذای آن سرمایه و تخصص، و

نظامهای سیاسی، بحث این است که هر چه مشارکت مردم در دولت و اداره امور کشور کمتر شود، انتظار آنتشان از دولت بیشتر می‌گردد و به آن چیزی که دولت ایجاد کرده است، کم بها داده شده و مردم اهمیت لازم را برای آن قائل نمی‌شوند. در کنار این دو عامل، وضعیت دستگاه اطلاعاتی مطرح است، دستگاه اطلاعاتی به این مفهوم که واقعا اطلاعات کافی برای تجزیه و تحلیل مسائل کشور در اختیار باشد، چرا که کشوری که فاقد اطلاعات و آمار لازم باشد هیچ حرفی را در خصوص توسعه نمی‌تواند بزند.

خلاصه بحث امروز ما به این صورت شد که با داشتن تئوری، می‌توان تصویری را از آینده اقتصاد ایران به دست داد. آینده کشوری مثل ما اگر نتواند توسعه پیدا کند، آینده‌ای فوق العاده تاریک می‌باشد؛ و اگر خدای نکرده کشور ما توسعه پیدا نکند احتمال ایجاد فحطی درسی سال

حزب توده ایران: نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد

علی خاوری، دبیر اول حزب توده ایران، با ارسال نامه‌ای به پطروس گالی دبیر کل سازمان ملل متحد نسبت به ادامه نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرده و خواهان دفاع این سازمان از قربانیان نقض حقوق بشر در ایران شده است. در این نامه آمده است:

همانطور که مطلع اید، مسئله سرکوب حقوق بشر، توسط حکومت جمهوری اسلامی ایران، یکی از موضوع های مهم مورد بحث در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در چند سال گذشته بوده است. علی رغم قطعنامه های مختلف این کمیسیون حکومت جمهوری اسلامی ایران رسماً اعلام کرده است که خود را مسجاز می‌داند، تا به سیاست های سرکوب، دستگیری بدون مجوز قانونی شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی ادامه دهد.

این سیاست ها در هفته های گذشته، در شکل ربودن، شکنجه و قتل یک دانشجوی مبارز دستگیری گروهی از مخالفان، از جمله آقای سعیدی سیرجانی، نویسنده و شاعر، و آقایان ختنی و نیازی کرمانی بار دیگر خود را بروز داده است.

علی خاوری ضمن اشاره به کشتار هزاران زندانی سیاسی، از جمله در تابستان سال ۱۹۸۸، توسط حکومت اسلامی، نوشته است هنوز تعداد قابل ملاحظه ای زندانی سیاسی در ایران وجود دارند. در این نامه از جمله از محمد علی عمویی، نوزالدین کیانوری و مریم فیروز - که از آنها به عنوان رهبری حزب توده ایران تا هنگام دستگیری در سال ۱۳۶۲، نام برده شده - یاد شده و گفته شده این عده هنوز زندین به سر می‌برند. در پایان این نامه چنین آمده است:

انتظار همه نیروهای آزادیخواه و طرفدار حقوق بشر این است که سازمان ملل متحد به وظیفه خود در زمینه دفاع از منشور جهانی حقوق بشر و در آملاتحفظات سیاسی و با قاطعیت عمل کند.

بی تفاوتی سازمان ملل متحد خصوصاً کمیسیون حقوق بشر آن نسبت به ادامه نقض جدی آزادیها و حقوق بشر در ایران بی شک می‌تواند مشوق مجریان اقدامات سرکوبگرانه و نقض هر چه بیشتر حقوق بشر در میهن ما باشد.

**کار را
به آشنایان
خود معرفی
کنید!**

بابک امیر خسروی در پاسخ به "مشروطه خواهان بعد از انقلاب" گفتگو آری، ائتلاف سیاسی نه!

عملکرد گذشته خویش شده و نوشته است:

"ما از شما نمی‌خواهیم که درباره رویداد چهل سال پیش حتماً با ما همفکر باشید و یا تعبیر واحدی از رویدادها داشته باشیم. آنچه ما می‌خواهیم فکر شما و تعبیرتان از کردتای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن و ارزیابی از رفتار حاکمیت آن دوران در قیال اصول وارکان مشروطیت یعنی آزادی و دموکراسی و حاکمیت ملت و حقوق بشر است. زیرا پاسخ روشن و صریح شما به مثابه سازمان مشروطه خواهان طرفدار احیاء سلطنت پهلوی و نیز شخص آقای رضا پهلوی همچون نماد این جریان، تکلیف ما و ملت ایران را با شما روشن خواهد کرد. آیا آنچه ما از شما می‌طلبیم تکلیف شاق است؟ آیا خواست حداقل معقولی نیست؟ وی در جای دیگری از مقاله خود افزوده است:

"خلاصه کلام این است که مشروطه خواهان بعد از انقلاب بهمین نه مستولیت تاریخی خود در کردتای ۲۸ مرداد و سرنگون ساختن دولت ملی و آزادی خواه دکتر مصدق را برعهده می‌گیرند؛ نه حاضرند سیاست رزم در ۲۵ سال بعد از کودتا را، به خاطر زیر پا گذاشتن مبانی مشروطیت، از میان برداشتن همه موازین آزادی و دموکراسی و وابسته کردن کشوری به اجانب مورد سوال قرار دهند؛ و نه نقش انقلاب بهمین و قضاوت مردم را در پایان دادن به سلطنت پهلوی قبول دارند. و آن وقت اینان، انتظار و توقع دارند، به صرف انتشار یک منشور دنیابسنند، مارگزیدگان سیاسی اپوزیسیون، چشم بسته به استقبال آنها بشتابند! انصافاً چه فرقی جدی بین ادعای شاه بودن آقای رضا پهلوی و رئیس جمهور خواندن خانم مریم رجوی وجود دارد؟ مگر آنها نیز نمی‌خوانند رئیس جمهور خود را به "رای مردم" بگذارند؟

امیر خسروی سپس نوشته است: "در شرایط کنونی، سیاست ما در قبال مشروطه خواهان بعد از انقلاب بهمین چه می‌تواند باشد؟ من این چارچوب را در جمله کوتاه زیر خلاصه می‌کنم: گفتگو آری، ائتلاف سیاسی نه! به اعتقاد وی:

رضا پهلوی خود علناً اعلام میکند که می‌خواهد در وری سازمانها و جریانها و گرایش های مختلف قرار بگیرد و نقش خود را گردآورنده نیروها می‌داند. یعنی از حالا می‌خواهد شاه بالقوه همه ما باشد! ائتلاف سیاسی ما با سلطنت طلبها، در چنین شرایط نا برابر، به معنی از دست دادن هویت

جمهوری خواهان می‌باشد. و عملاً رضا پهلوی از نماد مشروطه خواهان بعد از انقلاب بهمین به رهبر جمهوری خواهان نیز تبدیل خواهد شد. زیرا در چنین ائتلاف سیاسی بناچار شکل نظام آینده مطرح نخواهد شد، اما شیخ یک رهبر و نماد پادشاهی که رسالت هم آهنگ کردن و تجمع نیروها را بر خود قائل است، سراسر آن را زیر چتر خود خواهد گرفت.

امیر خسروی برنامه ائتلاف های پیشنهادی خود را ایجاد یک "جانشین دموکراتیک" در برابر جمهوری اسلامی اعلام می‌کند و می‌نویسد:

"آنچه مردم ایران و مبارزان درون کشور انتظار دارند و آن حلقه گم گشته ای که در پی آنند، ایجاد یک "جانشین دموکراتیک" (آلترناتیو دموکراتیک)، از همه مولفه های شناخته شده و آزمایش داده راه آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در برابر جمهوری اسلامی است. تلاشهای ما در گذشته برای دادن اولویت به جبهه ای از جمهوری خواهان با چنین چشم اندازی بود، که متأسفانه با مشکلات روبرو شد. قصد ما این بود و هست که شکل جمهوری خواهان را به یکی از مولفه های درون یک ائتلاف گسترده تر تبدیل سازیم. دستیابی به جبهه جمهوری خواهان همچنان در دستور کار ما و تلاش برای تحقق آن، وظیفه دائمی ماست.

موقف های اصلی این ائتلاف گسترده، یا آنچه ما "جانشین دموکراتیک" می‌نامیم، به نظر من عبارتند از: سازمانها و شخصیت های چپ دموکرات، گرایشهای مختلف باقی مانده از جبهه ملی (چه لایک و چه اسلامی نظیر نهضت آزادی)، نهضت مقاومت ملی، حزب دموکرات کردستان ایران و جنبش های اصیل مشابه و جمهوری خواهان ملی. پدیده ای است چنین ائتلاف گسترده ای، با توجه به ترکیب آن، جبهه جمهوری خواهان نیست و نباید باشد، تا بتواند درهای خود را نه فقط به روی عناصر مشروطه خواه در درون نهضت مقاومت ملی و یا جریانهای مشابه دیگری که درباره شکل نظام موضع ندارند، باز بگذارد و آنها را نیز در بر بگیرد، بلکه قادر باشد سایر شخصیت ها و افراد مشروطه خواهی را که منشور ائتلاف را می‌پذیرند در داخل و خارج از کشور، به سوی خود جلب نماید.

به عقیده امیر خسروی این نیروی "جانشین دموکراتیک" بعداً می‌تواند با مشروطه خواهان بعد از انقلاب در موارد معینی دست به اقدامات و ابتکارات مشترک بزند.

پاسخ به نامه ها

دوست و همکار گرامی محمد از کانا دا.

اخبار کوتاهی که برای درج در "کار" ارسال کرده اید، همه متعلق به چند ماه پیش هستند، نظیر خبر سوء قصد به ناشر نروزی کتاب "آیات شیطان" یا درگذشت عده ای از اعضای خانواده کریس هانی در حادثه رانندگی. ما متوجه نشدیم که ترجمه خبرها در صورت گرفته، یا پست در رساندن آنها تاخیر داشته است. با این وصف یکی از خبرهای ارسالی شما را که گذشت زمان کمتر در آن تأثیر داشته است را انتخاب کرده ایم:

صادرات سلاح به جهان از طرف آمریکا در بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ دو برابر افزایش داشته است، این خبر را از آنس منع سلاح و خلع سلاح ارتش آمریکا منتشر کرد. بنا بر این گزارشها، آمریکا در طول سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱، ۵۹ بلیون دلار سلاح فروخته است که از این مقدار ۲۵ بلیون دلار یا ۶۰ درصد آن به کشورهای جهان سوم بوده است. و اما یک نکته در پایان: دوست عزیز، برای ما اخبار کوتاه نفرستید.

این اخبار تا به "کار" برسند جنبه روز و خبری بودن خود را از دست داده اند. به جای این انرژی خود را در ترجمه مطالب و گزارشهایی که جنبه اطلاعاتی و تحلیلی دارند و به ویژه به نوعی به مسائل کشور ما مربوط می‌شوند مورد استفاده قرار دهید. در این زمینه می‌توانید با سایر رفقای خود در کانا دا نیز مشورت کنید. پیروز باشید.

دوست عزیز. م. رشیدیان

اگر عضویت در سازمان را به معنای فعالیت در آن تلقی کنید، قطعاً هیچ گونه مانعی در این راه وجود ندارد. شرایط فعالیت در سازمان در اساسنامه سازمان که مصوب کنگره سوم آن است، تشریح شده است. طبیعی است که برای جلوگیری از هر گونه سوء تفاهمی حداقل شناخت از کسانی که خواهان همکاری با سازمان هستند، لازم است و این نیز حتماً حاصل خواهد شد. ماضن تشکر از شما که خواهان همکاری مجدد و فعال با سازمان خودتان شده اید، نامه اتان را در اختیار مسئولین مربوطه قرار دادیم و امیدواریم که منظور شما حاصل شود.

دوست عزیز. ع. شیدان

تقاضای شما در اختیار ارگان مربوطه قرار گرفت. امیدواریم که مشکلات پناهندگی شما هر چه سریعتر برطرف شود.

گردهمایی برای اتحاد چپ کارگری ایران

تعیین خواهد شد.

۶- جمع ما جمع فراخوان دهند، است، ولی این حرکت به این جمع محدود نمی‌شود. بر اساس فراخوان ما، نیروهای یک جمع می‌شوند طی مباحثات فی مابین به پلاتفرم و شکل اتحاد دست خواهند یافت.

۷- هیئتی برای هماهنگی و سازماندهی قدمهای بعدی انتخاب می‌شود.

هیئت منتخب این گردهمایی که "جمع فراخوان به اتحاد نیروهای چپ کارگری" نام گرفته، از کلیه احزاب، سازمانها، محافل و افرادی که برای سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، جهت گیری کارگری دارند، برای دموکراسی حقیقی و سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و به اتحاد علی رغم وجود اختلافات باور دارند، دعوت به همکاری کرده است.

در این گردهمایی گروههای زیر شرکت داشته اند: اتحاد کارگران انقلابی ایران "راه کارگر"، حزب رنجبران ایران، دفترهای کارگری سوسیالیستی، سازمان کارگران انقلابی ایران "راه کارگر"، کمیته تدارک برای کنفرانس وحدت، هسته اقلیت، همکاران پروژه ایجاد بولتن بحث سوسیالیستی های انقلابی و بخشی از کادرهای اقلیت.

در اردیبهشت ماه گذشته گردهمایی ای از سوی چند سازمان و محفل چپ برگزار شد که هدف خود را "اتحاد چپ کارگری ایران" اعلام کرده است. در این گردهمایی موارد زیر مورد توافق قرار گرفتند:

۱- اتحاد چپ را در یکال کارگری ایران ضرورتی مبرم و حیاتی است.

۲- این اتحاد را نباید به حل اختلافات موجود موقوف کرد. ما معتقدیم که با وجود اختلاف نظرها می‌توان و باید بر مبنای نکات مشترک حرکت متحدی را آغاز کرد.

۳- ما بر ضرورت تشکیل حزب طبقه کارگر تأکید داریم، ولی با توجه به سطح اختلافات موجود و میزان رابطه با جنبش طبقه کارگر... در زمان حاضر، شروع اتحاد را در سطحی پایینتر از وحدت حزبی و بالاتر از اتحاد عملهای موردی امکان پذیر می‌دانیم. که البته این سطح در جریان شناختههای بیشتر و نزدیکیها در مسیر حرکت، و به تناسب افزایش پیوند با طبقه کارگر می‌تواند ارتقا یابد.

۴- پلاتفرم اتحاد از طریق مباحثات و تعیین نکات اشتراک واقعی تهیه خواهد شد.

۵- شکل این اتحاد و همکاری به تناسب مضمون پلاتفرم حاصله و در جریان مباحثات نیروهای شرکت کننده

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک
مدت اشتراک: شش ماه یکسال

نام: تاریخ:

آدرس: Name: _____

Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمپر) به آدرس "کار" پست نمایید.

بهای اشتراک "کار"

اروپا:

ششماه ۴۵ مارک

یکسال ۹۰ مارک

سایر کشورها:

ششماه ۵۲ مارک

یکسال ۱۰۴ مارک

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هردو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

حساب بانکی: M.ABD آدرس: RUZBEH
NR_35263011
POSTFACH 1810
کد پانک: 37050198
52020 AACHEN.
Stadtsparkasse Köln
GERMANY
GERMANY

شماره فکس: شماره فکس: Fax: 0049 _ 221 _ 3318290

باموافقت سازمان ملل نیروهای نظامی فرانسه وارد رواندا شدند

با موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد، فرانسه ۲۰۰۰ سرباز به منطقه مرزی بین زئیر و رواندا اعزام کرد. این دخالت نظامی تحت عنوان "دلایل انسانی" صورت می‌گیرد. دولت فرانسه می‌گوید هدف از این عملیات، این است که جان انسان‌هایی که خطر مرگ تهدیدشان می‌کند، نجات داده و به مردمی که از گرسنگی رنج می‌برند، کمک رسانده شود. با این حال، چه در فرانسه و چه در کشورهای دیگر، در مورد نحوه اقدام و مقاصد فرانسه تردیدها و ابهام‌هایی وجود دارد. کشورهای آفریقایی، استقبال چندانی از ابتکار فرانسه به عمل نیاوردند و به نظریه رسد از این طریق می‌خواهند به اینک در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌اند، اعتراض کنند. یکی از طرفین جنگ داخلی رواندا، یعنی "جبهه میهنی" نیز این ظن را ابراز داشته است که قصد فرانسه از مداخله در رواندا، جلوگیری از پیروزی جبهه میهنی در جنگ و حفظ رژیم حاکم روانداست. اما حتی دولت موقت رواندا نیز حداقل بطور علنی از فرانسه نخواست است که نیرو بفرستد. با توجه به همه این شرایط، به نوشته مطبوعات غربی رأی شورای امنیت سازمان ملل به پیشنهاد فرانسه چندان بارغبیت نبود. بی‌اعتمادی نسبت به مقاصد

اعلام شده فرانسه در رواندا، بی‌دلیل نیست. فرانسه از چهار سال پیش تا هنگام مرگ هابیاریمانا رئیس‌جمهور رواندا، از رژیم او در برابر تلاش‌های جبهه میهنی برای سرنگون کردن این رژیم پشتیبانی می‌کرد. در سال ۱۹۹۰، هنگامی که شورشیان جبهه میهنی با حمایت اوگاندا تا چند کیلومتری کیکالی پایتخت رواندا رسیده بودند، حمایت تسلیحاتی و نظامی فرانسه، رژیم رواندا را نجات داد. همین امر طی سال‌های بعد چند بار تکرار شد، و هر بار عملیات فرانسه تحت عنوان حفظ جان شهروندان فرانسوی مقیم رواندا صورت گرفت. در حالی که حدود ۴۰۰ غیرنظامی فرانسوی در رواندا به سر می‌بردند، تعداد سرتازان فرانسوی مستقر در این کشور طی سال‌های اخیر گاه تا ۷۰۰ نفر افزایش یافت. البته فرانسه همواره دخالت نیروهای خود در عملیات نظامی نیروهای دولتی رواندا را تکذیب کرده است، اما ناظران سازمان ملل، دیپلمات‌های خارجی و سایر اتباع غربی مقیم رواندا می‌گویند فرانسه به نفع رژیم رواندا در تیردها دخالت کرده است. در یک مورد، یک هلیکوپتر فرانسوی با شلیک موشک به سوی یک کاروان مهمات شورشیان، آنها را وادار به

عقب‌نشینی کرد. همچنین این امر مسلم است که فرانسه به دولت رواندا اسلحه و از جمله توپ تحویل داده است، و این امر نیز قطعی است که نیروهای دولتی رواندا بدون کمک فرانسوی‌ها نمی‌توانستند از این توپ‌ها استفاده کنند. گفته می‌شود که یک افسر عالی‌رتبه فرانسوی در عملیات نظامی، مشاور فرماندهی نیروهای دولتی رواندا بوده است. همچنین حضور ۱۵۰ مستشار و مربی نظامی فرانسوی در رواندا، بی‌ارتباط با افزایش تعداد نفرات نیروهای دولتی رواندا از ۴۰۰۰ به ۴۰۰۰۰ نفر ظرف سه سال نیست. با کمک فرانسه، یک آموزشگاه ژاندارمری در رواندا ایجاد شده است. سازمان عفوبین المللی می‌گوید نظامیان فرانسوی در آموزش "جوخه‌های مرگ" که از دو ماه پیش تا کنون هزاران نفر را به قتل رسانده‌اند نیز شرکت داشته‌اند. دولت فرانسه مدعی است که در تلاش برای آشتی دادن طرفین جنگ داخلی رواندا شرکت داشته است. سال گذشته در تانزانیا با میانجی‌گری فرانسه قرارداد بین دولت رواندا و شورشیان جبهه میهنی امضا شد که تشکیل دولت آشتی ملی، ادغام نیروهای جبهه میهنی و نیروهای دولتی و برگزاری انتخابات آزاد تحت نظارت سازمان ملل را

پیش‌بینی می‌کرد. این قرارداد روی کاغذ باقی ماند. به نوشته برخی مطبوعات غربی، هدف فرانسه از دخالت در رواندا جلوگیری از بی‌ثبات شدن رژیم‌های "فرانکو فون" مانند رژیم موبوتو در زئیر است. برخی طراحان سیاست فرانسه در قبایل آفریقا، شورشیان جبهه میهنی در رواندا را عوامل دولت موسسه‌وینی در اوگاندا می‌دانند و معتقدند اگر دولت رواندا سرنگون شود، دیر یا زود، زئیر نیز به سرنگون این کشور دچار خواهد شد. آشکارترین اظهار نظرها علیه مداخله فرانسه در رواندا، از سوی محافل بلژیکی صورت گرفته است. بزرگترین روزنامه بلژیک در یک مقاله نوشت سقوط هواپیمای حامل رئیس‌جمهور رواندا که بهانه آغاز کشتار اقلیت توتسی توسط نیروهای دولتی رواندا شد، توسط جاسوسان فرانسوی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد تنها راه حل معقول برای پایان دادن به قتل عام در رواندا، اعزام نیروهای خود کشورهای آفریقایی به این کشور باشد. استعمارگران قدیم و جدید، خواه فرانسوی باشند یا بلژیکی، انگلیسی یا آمریکایی، در قاره سیاه بی‌اعتبار تر از آنند که کسی داعیه انساندوستی آنان را باور کند. تجربه سومالی نشان داد که نیروهای بیگانه، حتی اگر زیر پرچم سازمان ملل وارد میدان شوند، از سوی مردم کشورهای آفریقایی مهاجم و متجاوز شناخته می‌شوند و دیر یا زود، به یک طرف اصلی جنگ تبدیل خواهند شد.

حیرت‌انگیز کربلا

قتل ۶۶ مورپلیس در کراچی

در کراچی، بزرگترین شهر پاکستان، مردان مسلح از یک اتومبیل در حال حرکت به سوی یک کامیون نفرین پلیس شلیک کردند و شش مورپلیس را به قتل رساندند. گفته می‌شود این ترور از سوی جنبش مهاجرین صورت گرفته است که مدعی است دولت بی‌نظیر بوتو، علیه مهاجرین مسلمانانی که از ۱۹۴۷ بدین سو، از هند وارد پاکستان شده‌اند، تبعیض روا می‌دارد. دو ماه پیش، کراچی شاهد ناآرامی‌های گسترده‌ای به تحریک "جنبش مهاجرین بود که توسط ارتش و پلیس سرکوب شد.

رهبر سوسیالیست‌های ژاپن نخست‌وزیر این کشور شد

بدنبال استعفای هاتا نخست‌وزیر ژاپن، پارلمان این کشور شاهد مذاکرات فشرده‌ای بین احزاب مختلف برای تعیین جانشین هاتا بود. عاقبت، ائتلافی از سوسیالیست‌ها و لیبرال‌دمکرات‌ها رهبر حزب سوسیالیست را به عنوان نخست‌وزیر جدید برگزید. در طول ده سال حکومت حزب لیبرال‌دمکرات، سوسیالیست‌ها مهم‌ترین حزب اپوزیسیون و از سرسخت‌ترین مخالفان لیبرال‌دمکرات‌ها محسوب می‌شدند. از این رو، ائتلاف این دو حزب در ژاپن با شکستی روبه‌رو شد.

تشدید حملات یمن شمالی به عدن

به گزارش خبرگزاری یمن جنوبی، طی حملات ارتش یمن شمالی به عدن در هفته اول تیرماه، ۲۶۶ نفر کشته و ۸۴۹ تن مجروح شدند. دولت یمن شمالی اعلام کرده است که حاضر است اجازه دهد غیرنظامیان از عدن پایتخت یمن جنوبی که در محاصره نیروهای شمال است خارج شوند. جنگ در یمن هرچه بیشتر رنگ مذهبی به خود می‌گیرد. دولت یمن شمالی می‌کوشد محافل اسلامی در کشورهای محافظه کار حاشیه جنوبی خلیج فارس را به قطع حمایت از "سوسیالیست‌های بی‌دین" یمن جنوبی ترغیب کند. از سوی دیگر، علی‌سالم البیض رئیس‌جمهور یمن جنوبی دستور داد یک کارخانه آبیوسازی در عدن تعطیل شود. به نظر می‌رسد این اقدام برای خنثی کردن تبلیغات یمن شمالی صورت گرفته است.

کاهش تشنج در شبه جزیره کره

برای نخستین بار پس از تقسیم کره، رؤسای جمهور کره شمالی و جنوبی در روز ۲۹ تیرماه در پیونگ‌یانگ با پتخت کره شمالی با یکدیگر دیدار خواهند کرد. این تحول مثبت در بحران کره پس از سفر جیمی کارتر رئیس‌جمهور سابق آمریکا به کره شمالی و دیدار او با کیم ایل سونگ رهبر این کشور صورت گرفت. بدنبال این سفر، کره شمالی اعلام کرد که حاضر است در صورت عدم اجرای تحریم‌های بین‌المللی، برنامه هسته‌ای خود را تا حصول یک توافق در مورد نحوه کنترل آن، متوقف کند. جیمی کارتر علاوه بر بحران هسته‌ای، روابط دو کره را نیز به موضوع گفتگوهای خود با رهبران کره شمالی و جنوبی تبدیل کرد.

رهبر سوسیالیست‌های فرانسه استعفاداد

میشل روکار رهبر حزب سوسیالیست فرانسه به دنبال شکست این حزب در انتخابات پارلمان اروپا و گسترش انتقاد از وی در درون حزب سوسیالیست، از مقام خود استعفاداد. به نظر می‌رسد این استعفا، مقدمه حذف روکار از عرصه رقابت برای جانشینی میتران رئیس‌جمهور فرانسه نیز هست. گفته می‌شود در حال حاضر محتمل‌ترین کاندید سوسیالیست‌ها

برای انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در سال آینده، ژاک دلور رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا باشد که به زودی دوره مسئولیتش در این اتحادیه به پایان می‌رسد.

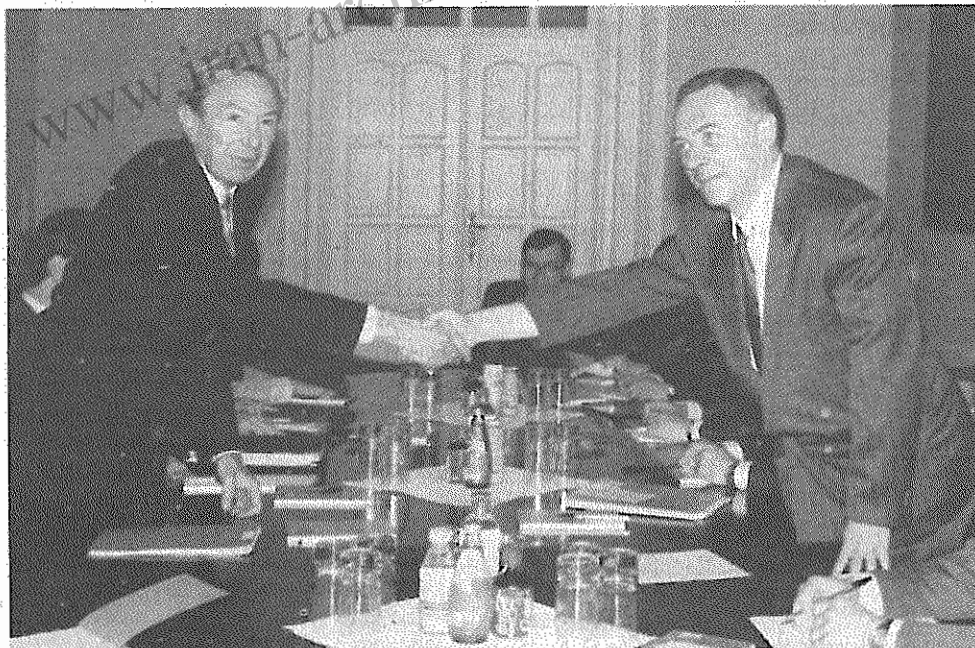
طرفداران "احیای شوروی" در انتخابات بلاروسی بر دیگران پیشی گرفتند

دستگاه دولتی بلاروسی کرد. نیروهای ناسیونالیست و طرفدار غرب در انتخابات اخیر بلاروسی متحمل شکست سختی شدند. رهبر جبهه خلق بلاروسی تنها به ۱۲/۹ درصد آرا دست یافت. شوشکیویچ رئیس سابق پارلمان که سال گذشته بارای عدم اعتماد نمایندگان، مقام خود را از دست داد، نتوانست بیش از ۹/۹ درصد آرا را کسب کند. به نظر می‌رسد اکثریت نپرومندی از حدود ۷ میلیون رأی‌دهنده بلاروسی، با توجه به بحران اقتصادی شدید این کشور، میزان مشارکت مردم در مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری بلاروسی، ۷۸/۷ درصد بود.

گاریاچف توسط "کمیته دولتی مقررات فوق‌العاده" در تابستان ۱۳۷۰ پشتیبانی کرد و چهار ماه بعد، تنها نماینده شورای عالی بلاروسی بود که به موافقت نامه رؤسای جمهور روسیه، اوکراین و بلاروسی در مورد انجمن اتحاد شوروی و تاسیس "جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل" رأی منفی داد. اخیراً لوکاشنکا طی نطقی در برابر دوام، مجلس نمایندگان پارلمان روسیه، پیشنهاد کرد که اعضای پارلمان‌های روسیه، اوکراین و بلاروسی در همان مکانی که دو سال و نیم پیش در آن رؤسای این سه جمهوری انحلال شوروی را اعلام کردند، گرد هم آیند و اعلام وحدت مجدد نمایند. لوکاشنکا در مبارزه انتخاباتی خود لبه تیز حمله را متوجه فساد در

لوکاشنکا لروکاشنکا، یک کاندیدای طرفدار احیای اتحاد شوروی، در انتخابات ریاست جمهوری بلاروسی بر همه کاندیداهای دیگر پیشی گرفت. لوکاشنکا در مرحله اول انتخابات، ۴۵/۱ درصد آرا را به خود اختصاص داد، در حالی که کبیچ نخست‌وزیر بلاروسی تنها به ۱۷/۴ درصد آرا دست یافت. لوکاشنکا و کبیچ در روز ۱۹ تیرماه در مرحله دوم انتخابات با یکدیگر رقابت خواهند کرد. لوکاشنکا که چهل سال دارد، رئیس یک واحد کشاورزی دولتی (ساوخورز) است. وی قبلاً مسئولیت‌های مختلفی در حزب کمونیست اتحاد شوروی داشته است. لوکاشنکا از یرکناری

موافقت نامه‌های روسیه با ناتو و اتحادیه اروپا



وزرای خارجه روسیه و آمریکا در بروکسل

پس از سال ۱۹۹۸ را پیش‌بینی می‌کند. به موجب این قرارداد، تبادل نظر سیاسی بین روسیه و اتحادیه اروپا به صورت یک امر نهادی و دائمی در خواهد آمد و در قالب دیدارها و مذاکرات منظم انجام خواهد گرفت. در این قرارداد آمده است اتحادیه اروپا امکان ورود کالا‌های روسی به بازار خود را تسهیل و سرمایه‌گذاری در روسیه را تشویق خواهد کرد. اتحادیه اروپا برقراری حوزه تجارت آزاد با روسیه را منوط به پیشرفت روسیه در راه گشایش و اصلاحات در جهت اقتصاد بازار کرده است. قرارداد روسیه و اتحادیه اروپا پیش‌بینی می‌کند که در سال ۱۹۹۸ بین این اتحادیه و روسیه، مذاکراتی در مورد تجارت آزاد به عمل آید. در توافقی که امضا شده در پیونان، سخنی از پیوستن روسیه به اتحادیه اروپا در میان نیست.

خاطر نشان کرد که ناتو حاضر است با سایر امضا کنندگان "مشارکت برای صلح" نیز مذاکرات ویژه‌ای از نوع آنچه با روسیه بر سر آن توافق شده است، داشته باشد. معاون دیرکل ناتو گفت سایر امضا کنندگان "مشارکت برای صلح" در جریان جزئیات روابط ناتو با روسیه قرار می‌گیرند. توافق مهم دیگر روسیه با غرب، روز جمعه سوم تیرماه در پیونان امضا شد. باریس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه برای امضای یک موافقت نامه مفصل همکاری با اتحادیه اروپا، به محل برگزاری اجلاس سران کشورهای عضو این اتحادیه رفت. یلتسین طی سخنانی، این توافق را گام مهمی در راه احیای وحدت اروپا دانست. یلتسین به غرب اطمینان داد که روسیه برای غرب یک "شریک مطمئن و قابل اعتماد" خواهد بود. قرارداد اتحادیه اروپا و روسیه امکان برقراری یک حوزه تجارت آزاد مشترک بر روسیه و اتحادیه اروپا

ادامه از صفحه ۱۲

هنگام امضای قرارداد انتشار یافت، آمده است این توافق‌های جنبی، با توجه به موقعیت روسیه به عنوان قدرت اتمی صورت گرفت. روسیه پیوستن خود به "مشارکت برای صلح" را منوط بدین کرده بود که ناتو به این کشور به مثابه یک قدرت بزرگ بنگرد. امضای اسناد "مشارکت برای صلح" از سوی روسیه قبلاً در اعتراض به سیاست ناتو در قبایل جنگ بوسنی به تعویق افتاده بود. کوزیرف در بروکسل گفت در مقابل گسترش مناسبات روسیه با ناتو، مانع غیر قابل عبوری وجود ندارد. وی افزود همکاری روسیه و ناتو هدف به انزوا کشاندن هیچ کس را دنبال نمی‌کند و به عمیق تر شدن شکاف‌ها نخواهد انجامید. کوزیرف خاطر نشان کرد: "این، یک یالتای جدید نیست. اشاره وزیر خارجه روسیه، به کنفرانس یالتا در آستانه پایان جنگ جهانی دوم بود که طی آن، قدرت‌های پیروز در جنگ، اروپا را بین خود تقسیم کردند. کوزیرف گفت کشورش امکان پذیرش کشورهای اروپای شرقی توسط ناتو را می‌پذیرد، و پیوستن روسیه به ناتو را نیز منتفی ندانست. وی در عین حال تأکید کرد گسترش ناتو نباید با شتاب بیش از حد انجام گیرد.

معاون دیرکل ناتو نیز در سخنان خود بطور غیر مستقیم به نگرانی‌های همسایگان روسیه در اروپای شرقی از بابت همکاری این کشور با ناتو اشاره کرد و گفت ناتو و روسیه، مسئولیت مشترک سترگی در مورد آینده اروپا دارند. این مقام ناتو افزود امنیت را فقط می‌توان همراه با روسیه تحقق بخشید و نه علیه‌رم آن، و از این رو روسیه به مثابه قدرتمندترین کشور اروپا برای امنیت این قاره اهمیت زیادی دارد. وزیر خارجه آمریکا

با ورود عرفات به منطقه خود مختار فلسطین

اجرای قرار داد غزه - اریحا و در مرحله تازه ای شد

خونبار ترین جنگ قدرت در افغانستان

گروههای افغانی شدت گرفت. در همین حال اقدام ریانی در تمدید دوره ریاست جمهوری اش با استقبال همسایگان افغانستان روبرو نشد. پاکستان در این باره موضع صریحی گرفت و مقامات پاکستانی اعلام کردند که ریاست جمهوری ریانی فاقد مشروعیت است. با دور اخیر جنگ قدرت در افغانستان بنظر می رسد ابتکارات مختلف برای پایان دادن به جنگ داخلی در افغانستان که این اواخر در جریان بود، برای مدت نامعلومی معلق بماند. از جمله این ابتکارات نشست هرات بود که در آن از رهبران سیاسی و نظامی گروههای مختلف برای شرکت در اجلاس در هرات دعوت شده بود، اما چنین نشستی برگزار نشد.

رسانه های گروهی اخیراً از طرح جدیدی یاد کرده اند که از سوی سازمان ملل برای پایان دادن به مناقشه افغانستان تنظیم شده است. مطابق طرح تازه سازمان ملل که به طرح مستیری موسوم شده، حکومت فعلی افغانستان از کاربرد کنار شده و یک دولت موقت یک ساله به ریاست دکتر نجیب اله رئیس جمهور سابق افغانستان تشکیل می گردد. بر اساس این طرح تمام گروههای مسلح از کابل اخراج شده و ارتش و پلیس ملی در سه ماه اول حکومت موقت تشکیل و در اداره نظم کشور با حکومت موقت همکاری خواهند کرد. در این طرح تکنوکرات ها جایگزین استاندارهای فعلی افغانستان می شوند و برگزاری انتخابات عمومی در کشور را بر نامه ریزی می کنند. انتخابات پیش بینی شده در این طرح زیر نظر سازمان ملل انجام می گیرد. اما این طرح نیز سر نوشت طرحهای مشابه برای برقراری صلح در افغانستان را خواهد داشت و به نظر نمی رسد که عملی گردد.

سه شنبه هفته گذشته (۳۱ خرداد) دوره ریاست جمهوری برهان الدین ربانی، رئیس جمهور موقت افغانستان پایان یافت اما ربانی خود دوره ریاست جمهوری خود را به مدت شش ماه دیگر تمدید کرد و حاضر نشد مطابق توافق یکسال پیش میان ده گروه افغانی در پشاور با کستان از قدرت کناره برد. به این ترتیب عملاً توافقنامه پشاور نیز که تنها نقطه اتکاد مناسبات میان گروههای افغانی پس از حضور آنها در کابل بود، منتفی شد و از هم پاشید. این وضع سرانجام اوضاع در افغانستان را بیش از پیش در ابهام فرو برد.

برهان الدین ربانی در توضیح دلایل خود در عدم کناره گیری از قدرت، گفته است که در افغانستان نهادی وجود ندارد که وی قدرت را به آن تحویل دهد. علاوه بر آن بنظر ربانی کناره گیری وی از قدرت باعث ایجاد خلاء قدرت با پیامدهای ناگوار برای افغانستان می شود!

در ماههای آخر حکومت دکتر نجیب اله وقتی که وی در برابر فشار مخالفان برای کناره گیری، خطر ناشی از خلاء قدرت و کشیده شدن کشور به کام جنگ داخلی را مطرح می کرد، همین آقای ربانی از جمله کسانی بود که این استدلال را بی معنی می دانست و آنرا رد می کرد. خلاء قدرت ناشی از سقوط دکتر نجیب اله افغانستان را نه تنها به کام جنگ بلکه به نیستی کامل کشاند. ولی قطعاً این مسئله در مورد خلاء ناشی از کناره گیری آقای ربانی صادق نیست، چرا که او نه قدرتی دارد و نه دیگر از افغانستان چیزی باقی مانده که به از دست دادن آن باید نگران بود.

بلافاصله پس از اعلام تمدید ریاست جمهوری ربانی آتش جنگ در کابل دوباره زبانه کشید و بیماران و راکت باران مواضع طرفین از سوی



در این روز تاریخی در اینجا، در غزه ی مبارز دوباره به هم رسیده ایم. من به همه شهروندان غزه و همه آنانی که خود را هوادار شیخ احمد یاسین (یکی از رهبران حماس) می دانند اطمینان می دهم که تا آزادی شیخ و دیدن او در این محل از مبارزه دست نخواهیم کشید.

اتحاد ملی راهنمای رزم ما و الهامبخش مردم ماست. از اینرو شمارا به اتحاد، اتحاد و باز هم اتحاد فرامی خوانم. برادران و خواهران عزیز! ما از اینجا به مسجد هیرون و بیت اللحم و دیگر شهرهای ساحل غربی (روداردن) می نگریم. و پس از آنکه به هیرون و رفیم به سوی اورشلیم روانه خواهیم شد. آری ما به شهدا قول داده ایم که در اورشلیم برای خشنودی ارواح آنان به نیایش بپردازیم... و اینجا، در برابر شما من می خواهم از جوانان و خردسالانی تشکر کنم که با سنگ دست به انقلاب زدند. از اینجا از نوار غزه من به انقلاب سازش نا پذیر فلسطین و همه آنهايي که در آن سهم بردند درود می فرستم... ما جماعتی از انسانهای آزادییم که عزم ساختن میهن را در سرداریم، آری این سرزمین کشور انسانهای آزاده خواهد شد... ما پیروزمندان این خطه خواهیم بود.

که در مراسم امضای موافقت نامه بین روسیه و ناتو حضور داشت. وی از روز امضای قرارداد، به عنوان یک روز تاریخی نام برد. از جمله موارد پیش بینی شده در توافق ناتو و روسیه، آموزش نظامی و مانورهای مشترک برای تدارک ما موریت های نظامی از سوی سازمان ملل است. علاوه بر مشارکت برای صلح، روسیه و ناتو موافقت کردند که گفتگوهای خود را ادامه دهند و از جمله، به تبادل اطلاعات در مورد تصمیمات امنیتی بپردازند. در اطلاعیه مشترکی که

فلسطینی زندانی از اجرای این خواست سرباز زده و از عرفات خواسته بودند که تا آزادی آنها به فلسطین بازنگردد. روز دوشنبه ۶ تیر گروههای حمایت از زندانیان سیاسی و سازمانهایی همچون جهاد و حماس مردم را برای پشتیبانی از خواست زندانیان به یک اعتصاب عمومی فراخواندند که در نتیجه آن زندگی در بخش اعظم فلسطین به حال تعطیل درآمد. عرفات پس از عبور از مرز مصر و ورود به نوار غزه بر خاک فلسطین بوسه زد و پس از طی ۳۵ کیلومتر راه در میان استقبال عمومی وارد شهر غزه گردید. وی در جمع حاضران به ایراد سخنرانی پرداخت.

سفر عرفات ناگهانی و بدون تدارک و مقدمات لازم صورت گرفت. دولت اسرائیل از عرفات خواسته بود که بخاطر آئین مذهبی یهودیان سفر خود را برای دوروزه تعویق اندازد، اما عرفات این خواست را نپذیرفته بود. در خود سازمان آزاد بخش فلسطین نیز از اینکه سفر عرفات بدون تدارکات قبلی و عاری از نشانه های یک بازگشت پرومندانانه صورت گرفت انتقادات متعددی بعمل آمد. در پایتخت کشورهای عربی نیز سفر ناگهانی و بدون مشورت عرفات انتقادات و اعتراضاتی را در پی داشت. سازمان اسلامی حماس از بازگشت عرفات به فلسطین بعنوان یک ننگ یاد کرد. در این حال جمهوری اسلامی که یکی از مخالفان عمده قرارداد غزه - اریحا است تا لحظه تنظیم این گزارش تنها به انعکاس خبر بازگشت عرفات و واکنشهای پیرامون آن پرداخته و از ابراز نظر رسمی خودداری کرده است. در دوران اسرائیل نیروهای راست و مخالف صلح با نظرات متعدد در تل آویو و ایجاد گروههای ضریب در اطراف اورشلیم کوشیدند اعتراض خود به ورود عرفات به غزه را به نمایش گذارند و از سفر احتمالی وی به اورشلیم جلوگیری کنند. آنها به بستن خیابانها و تویانها و اخلاص در رفت و آمد خود روادست زدند و با پلیس به زد و خورد پرداختند.

تا آنجا که به روند اجرای قرارداد صلح اسرائیل - فلسطین مربوط می شود، پاره ای از پیش بینی ها مبنی بر توانایی نیروهای مخالف در ایجاد اخلاص در این روند به واقعیت نیویسته است. آن ده سازمان مخالف صلح فلسطینی که در جبهه ای به نام "اتحاد ده سازمان" گرد آمده اند در حفظ اخلاص از نفوذ

همانگونه که فوقا اشاره رفت عرفات در روز اول ورود به غزه در جمع اهالی این شهر سخنرانی ایراد کرد. بخش های از این سخنان را در زیر می خوانید: برادران، همزمان، خواهران و برادران زندانی! مادران، زنان و خواهران شهدایی که در مبارزه جان باختند! درود بر شما! من امیدوارم که همه ما یاد شهداد را در خاطر زنده نگه داریم. ما

روز جمعه ۱۰ تیر (اول ژوئن) با سر عرفات رهبر سازمان آزاد بخش فلسطین پس از ۲۷ سال تبعید وارد غزه شد و دیدنسان تحقق قرارداد صلح غزه - اریحا وارد مرحله جدیدی گردید. مذاکرات اسرائیل و فلسطینی ها که اکتبر سال ۱۹۹۱ در مادرید آغاز شد، در ۱۳ سپتامبر سال پیش به امضای قرارداد صلح غزه - اریحا انجامید و دیدنسان فلسطینی ها پس از ۴۷ سال مبارزه به حق تشکیل یک دولت خود مختار در نوار غزه و ساحل غربی دست یافتند. سر نوشت این دولت و تحقق استقلال کامل کشور فلسطین منوط به مذاکراتی است که ۳ سال پس از اجرای قرارداد فوق میان اسرائیل و دولت خود مختار فلسطین آغاز خواهد شد.

از دو سامبر سال گذشته ارتش اسرائیل بر اساس قرارداد غزه - اریحا خروج نیروهای خود از مناطق اشغالی را آغاز کرد و دیدنسان زمینه برای استقرار نیروهای امنیتی فلسطینی و آغاز به کار دولت خود مختار فراهم گردید. لیکن عرفات بازگشت خود به اریحا و آغاز کار رسمی دولت فلسطین را با تحقق دو شرط پیوند زده بود: نخست اجرای وعده های مالی از سوی موسسات بین المللی و کشورهای غربی و دوم آزادی تمامی زندانی های فلسطینی که در زندانهای اسرائیل بسر می برند. این در حالی بود که نهادها و کشورهای متعدد به کمک مالی متقابل ارائه این کمک ها را به بازگشت عرفات به اریحا و ایجاد کمیسیونی برای کنترل هزینه آن مشروط کرده بودند.

به گفته منابع آگاه در ساف دیدار هفته پیش وزیر اقتصاد فلسطین از آمریکا و مذاکرات وی با مقامهای صندوق بین المللی پول توافقاتی را در پی آورد که بموجب آن به محض ورود عرفات به اریحا از ۲/۴ میلیارد دلار کمک مالی وعده داده شده، ۶۲۰ میلیون دلار آن به دولت خود مختار فلسطین تحویل داده خواهد شد. در همین حال پاره ای نشانه ها حاکی از آن است که دولت اسرائیل نیز در زمینه آزادی زندانیان فلسطینی تعهدات ضمنی سپرده است. آزادی ۴۵۰ زندانی در روز چهارشنبه ۸ تیر را می توان نشانه ای در این راستا و از عوامل ترغیب عرفات برای سفر به غزه بشمار آورد. گفتنی است که دولت اسرائیل از زندانیان فلسطینی خواسته است که به عنوان شرط آزادی خود تعهد نامه ای در بنی فیهرو خشنوت امضا کنند. نزد یک به ۵ هزار

انتخابات ریاست جمهوری در اوکراین

پایدار اوکرائین در جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل شد. به عقیده کوچما، با زار اصلی کالا های اوکراین نه در غرب، بلکه در روسیه و سایر جمهوری های سابق شوروی است.

هیچ یک از دو کاندید اصلی ریاست جمهوری در اوکراین، نماینده جناح های رادیکال سیاسی نیستند. در حالی که ناسیونالیست های افراطی اوکراین (گروه "روخ") از معرفی نامزد مستقل در انتخابات خودداری کردند، طرفداران همکاری بیشتر با روسیه حول کوچما گرد آمده اند. کوچما که سال گذشته به علت بروز اختلافاتش با کراچوک از سمت خود کناره گرفت، در مبارزه انتخاباتی خود خواهان عضویت

مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری اوکراین برگزار شد. در این مرحله، هیچ یک از هفت کاندیدانتوانست اکثریت مطلق آرا را به دست آورد. در نتیجه، در مرحله دوم انتخابات لئونید کراچوک رئیس جمهور فعلی و لئونید کوچما نخست وزیر پیشین اوکراین با یکدیگر برای کسب اکثریت مطلق رقابت خواهند کرد. در حالی که ناسیونالیست های اوکراین از کراچوک حمایت می کنند، طرفداران همکاری بیشتر با روسیه حول کوچما گرد آمده اند. کوچما که سال گذشته به علت بروز اختلافاتش با کراچوک از سمت خود کناره گرفت، در مبارزه انتخاباتی خود خواهان عضویت

موافقت نامه های روسیه با ناتو و اتحادیه اروپا

می پیوندد. پیوستن روسیه به این برنامه، پس از ماه ها مذاکره بین مسکو و ناتو صورت گرفت. مشارکت برای صلح شامل همکاری تنگاتنگ نظامی تا حد مانورهای مشترک و ما موریت های مشترک حفظ صلح است. اندره کوزیرف وزیر خارجه روسیه هنگام امضای موافقت نامه مشارکت برای صلح "گفت با انعقاد

در هفته های اخیر، روسیه با پیمان ناتو و اتحادیه اروپا موافقت نامه های همکاری منعقد کرد. نخست، در روز چهارشنبه اول تیر ماه اندره کوزیرف وزیر خارجه روسیه در مقر اصلی ناتو در بروکسل، اسناد مربوط به پیوستن کشورش به مشارکت برای صلح را امضا کرد. روسیه، بیست و یکمین کشوری است که به مشارکت برای صلح

با موافقت سازمان ملل

نیروهای نظامی فرانسه وارد دروا انداشند

در صفحه ۱۱